

آذر بایجان

ناشر افکار فرقه دمکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۲۱ اسفند ۱۳۹۴



شادباش نوروزی

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان آغاز سال و را به همه هموطنان گرمی شادباش می گوید و برای همگان آرزوی شادابی، سعادت و موفقیت دارد. ما امیدواریم سال 1395 سال پیروزی خلق های ایران بر استبداد حاکم و رسیدن به آزادی، عدالت اجتماعی و شکوفایی کشور باشد.

هموطنان گرمی!

عید نوروز از اعیاد قدیمی و از سنن دیرین ایرانیان به شمار می رود. که دارای تاریخ چند هزار ساله می باشد. عید نوروز عید تولد و نوشدگی و خیزش طبیعت و عید جنبش و فعالیت و رشد و شکوفایی و آزاد اندیشی است.

عید نوروز از زمانیکه نیاکان ما پا به ایران زمین نهادند و حتی خیلی پیش از آن، ساکنان این آب و خاک آغاز بهار را با خوشحالی فراوان جشن گرفته و با پوشیدن جامه نو و خانه تکانی هر آنچه را که به زمستان مربوط می شد از بین می بردند.

در زمانهای قدیم جشن عید نوروز در پنج روز اول سال جدید برگزار می شد. گروه های کوچکی از نوازندگان و خوانندگان، قبل از فرارسیدن سال جدید در شهرها و روستاها می گشتند و اشعار ویژه عید نوروز را بر در خانه ها می خواندند و هدایایی می گرفتند. آنان پیکهای فرارسیدن نوروز و بهاران بودند.

یکی از ارزنده ترین آئین های نوروزی دید و باز دید، همراه با کنار گذاشتن کدورت ها، دشمنی ها و رسیدن به به وفاق و همدلی می باشد. نیاکان ما بهار را با آن آغاز می کردند تا صلح و دوستی را بر قرار و اهریمن و پلیدی ها را از خود دور کنند.

از دیگر آیین های عید نوروز ایرانیان این بوده که قبل از فرارسیدن نوروز، شروع به کاشتن سبزی در خانه هایشان می کنند و آن را نوید بخش سالی سبز، شاداب و شکوفای دانستند و در روز سیزدهم سال آن را به آب جاری می انداختند تا با طبیعت پیوند عمیق تری پیدا کنند و از خشکسالی و قهر طبیعت دور شوند.

ما با آرزوی فرا رسیدن بهار واقعی که در آن نشانی از استبداد، ظلم و بی عدالتی نباشد. به استقبال بهار می رویم. مردم ما شایسته زندگی کردن در فضایی سرشار از صلح و دوستی، عدالت و برابری هستند. تلریخ کشور به ویژه تاریخ یکصد ساله اخیر، نشان داده است که خلق های ایران برای رسیدن به این هدف مقدس یک لحظه هم از مبارزه پا پس نکشیده و تا تحقق آن از پای نخواهد نشست.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان یک بار دیگر فرا رسیدن آغار بهار را به همه مردم کشورمان تبریک می گوید و آرزو دارد سال پیش رو سالی سرشار از موفقیت و شادکامی برای تک تک هم

پایبندی ها را از خود دور کنند.

از دیگر آیین های عید نوروز ایرانیان این بوده که قبل از فرارسیدن نوروز، شروع به کاشتن سبزی در خانه هایشان می کنند و آن را نوید بخش سالی سبز، شاداب و شکوفای دانستند و در روز سیزدهم سال آن را به آب جاری می انداختند تا با طبیعت پیوند عمیق تری پیدا کنند و از خشکسالی و قهر طبیعت دور شوند.

ما با آرزوی فرا رسیدن بهار واقعی که در آن نشانی از استبداد، ظلم و بی عدالتی نباشد. به استقبال بهار می رویم. مردم ما شایسته زندگی کردن در فضایی سرشار از صلح و دوستی، عدالت و برابری هستند. تلریخ کشور به ویژه تاریخ یکصد ساله اخیر، نشان داده است که خلق های ایران برای رسیدن به این هدف مقدس یک لحظه هم از مبارزه پا پس نکشیده و تا تحقق آن از پای نخواهد نشست.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان یک بار دیگر فرا رسیدن آغار بهار را به همه مردم کشورمان تبریک می گوید و آرزو دارد سال پیش رو سالی سرشار از موفقیت و شادکامی برای تک تک هم

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

نوروز 1395



بایرام پایی

تاریئل امید

دویمارام آنامین بایرام پایبندان،

او غول سوراغیندا بیزه گوندرب

ساخلابیب، ساخلابیب نوح ایامیندان،

بوغدا چاناغیندا بیزه گوندرب

نو غولا، ناباتا قاتیب کیشمیشی،

گلیب سفره سینده یازین گلیشی

دنییب، ایشیقلا ری یانماز، آی کیمی ...!

کؤهنه چیراغیندا بیزه گوندرب

قووورغا قوووروب، قیزدیریب ساجی،

بیزیم ایچون گؤینه بیب بورنونون اوجو .

داغداغان آغاجی بیر گؤز مونجوغو،

دسمال قیراغیندا بیزه گوندرب .

او غول نوم واردی، اولوب قیز نوم،

قیز نومه قوربان، اونونو هم .

بو گونو ده گوردوم داهانولمرم،

او یون داراغین دا بیزه گوندرب .

آچیب بوخوسونو سویا سویله بیب،

گله بیلمه بیبیر، یقین گؤینه بیب .

قارا خالینی دا اسپرگه مه بیب،

هیبه یاناغیندا بیزه گوندرب .

۱۹۸۶ پاجی



گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

۸ مارس (۱۸ اسفند) روز جهانی زن را به همه شیرزنان ایرانی تبریک می گوئیم!

تاریخ یکصد ساله کشورمان گواه است که زنان ایرانی با تمام مشکلات صعب العبوری که حاکمان زن ستیز و ارتجاع در راه پیشرفت و ترقی آنها ایجاد کرده اند، با جانفشانی و سازماندهی موانع را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و به دستاوردهای بزرگی نائل آمده اند.

ما اعتقاد راسخ داریم که زنان ایرانی دوشادوش برادران خود به مبارزه برای رسیدن به آزادی، شکوفایی کشور و برابری حقوق زنان با مردان ادامه خواهند داد.

یک بار دیگر این روز رزمجویانه زنان جهان را به همه دلیر زنان کشور به ویژه زنان آذربایجانی تبریک و تهنیت می گوئیم. برایشان پیروزی و موفقیت روز افزون آرزو مندیم.

اسفند (۸ مارس) ۱۳۹۴

در این شماره

- ۲ ص باورهای درونی انسان
- ۵ ص پیام ایرینا بوکووا، مدیر کل یونسکو
- ۵ ص گسترش بی عدالتی در جمهوری اسلامی
- ۶ ص دوستی هشتصدساله موسیقی ایران و ترکیه
- ۸ ص پیام انتخابات تمکین از قانون بود
- ۹ ص زنان آذربایجان
- ۹ ص پیام جمعیت حقوق
- ۱۰ ص آئینعیدنوروز(نوروزبایرامی)درمنطقهآذربایجان
- ۱۲ ص معادله نظامی- سیاسی در سوریه
- ۱۶ ص سوریه به یک قانون اساسی جدید
- ۱۶ ص نرم نرمک می رسد اینک بهار

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!



باورهای درونی انسان با زبان مادری پردازش می شود دکتر حسن عشایری

ما به زبان مادری باید اهمیت بدهیم نه تنها در حوزه آموزش بلکه برای اینکه انسان یاد بگیرد و از آن در فرهنگ و زیستن خود بهره ببرد. زبان در دو حوزه به کار می رود؛ یکی برای ارتباط و دیگری برای شناخت. شناخت از ارتباط مهمتر است. ما عالم را با زبان می شناسیم. شناختی که با زبان اول شکل گرفته کاملاً با زبان دوم کپی نمی شود. هرچه فرهنگ بالاتر و رفتارها پیچیده تر می شود فرهنگ مادری، موثرتر و مهمتر می شود. فرهنگ مادری یعنی تفکر و شناخت. اگر کسی نتواند به زبان مادری آموزش ببیند و به آن زبان، متن تولید کند، در پروسه شناخت، نقیصه ایجاد می شود.

«به بیان عمومی باید بگوییم که زبان مادری بخش مهمی از هویت جوهری و خویش شدن خویش انسان است.» این را دکتر حسن عشایری عصب شناس مشهور کشورمان می گوید. او که پژوهش های دانشگاهی متعددی را در حوزه دوزبانی انجام داده، تلاش دارد، یافته های علمی خود را درباره اهمیت زبان مادری برای رشد اجتماعی و شخصیتی انسان، چنان دقیق و با بهره گیری از متدهای علمی ارائه کند که از امکان هرگونه شائبه و احیاناً بهره برداری غیرعلمی از این سخنان جلوگیری شود. عشایری در این گفت و گو به تبیین جایگاه زبان مادری در فیزیک انسان می پردازد و از نقش برجسته آن در شکل گیری هویت و هیجانات و عواطف انسان سخن می گوید. وی که هیجانات و عواطف را بخش بسیار مهم هویت انسانی می داند، اعتقاد دارد، بسیاری از عواطف آدمی بدون زبان مادری امکان بیان ندارند. این عصب شناس از «خاطره درمانی» به عنوان یک روش علمی یاد می کند و می گوید: وقتی خودم خاطره درمانی می کنم به زبان آلمانی این کار را انجام نمی دهم. اینجا زبان مادری من است که فوران می کند و جانم هیجانی می شود.» متن گفت و گوی آرمان با دکتر حسن عشایری را می خوانید:

بحث ما درباره روز جهانی زبان مادری است. سوال این است؛ روز جهانی زبان مادری چه نسبتی با ایران دارد؟ چرا ما باید درباره این روز که بنیادش در بنگلادش بوده، سخن بگوییم. جامعه چندزبانه ما چه نسبتی درباره این روز جهانی دارد؟ برخی ها می گویند ما نسبتی با این روز نداریم برخی اما حتی می گویند این روز باید در تقویم رسمی ما جای بگیرد. ایران همیشه یک کشور چندزبانه بوده است. از ایران گذشته که بگذریم، حتی ایران فعلی هم چندزبانه است. ما مساله چندزبانی را برای این باید مطرح کنیم که در کشورهای پیشرفته اتفاقاتی از قدیم افتاده که ما می توانیم از آنها نام ببریم. سوئیس از نظر مساحت به اندازه آذربایجان است ولی در این کشور سه زبان مختلف کنار هم زندگی می کنند؛ یعنی در مدارس تدریس می شوند و... آلمانی، سوئیسی، فرانسوی و ایتالیایی. از هر سه منطقه هم شخصیت های برجسته ای بیرون آمده اند: «ژان پیاژه» از بخش فرانسوی، «کارل گوستاو یونگ» از قسمت آلمانی و «بندت تی» از قسمت سوئیسی. یعنی از نظر فرهنگ و رشد فرهنگی در اروپا با اینکه سه زبان همجوار هم به صورت خیلی خوب درخشیده اند سوئیس را به کشور پیشرفت ها تبدیل کرده اند. کشورهای دیگری نظیر سوئیس هستند از جمله چین.

اما این وضعیت برای دوران مدرن است. ما در دوره شکل گیری دولت ملت ها، با تبعیض زبانی مواجه بودیم. ما باید به تاریخ برگردیم همیشه مثل این روزهای اروپا، آزادی زبانی همین طوری که زبان ها باید به صورت برابر در کنار هم زندگی کنند، نبوده است. آمریکا توسط مهاجران اروپایی شکل گرفته است و دارای زبان های مختلفی بود. آمریکایی های مهاجر، پدیده ای به نام «دیچر اوو» رواج دادند. روانشناسان آن زمان گفتند آنهایی که زبان مادری غیرانگلیسی دارند، باید از این ور، انگلیسی یاد بگیرند و از آن ور، «بنکی» بیرون بیایند. یعنی آمریکایی باشند، آمریکایی که تنها به یک زبان می اندیشد. تا سال 1962 مقاله های روانشناسان بسیاری در خدمت این بود که زبان مادری نباید صحبت بشود. حتی واژه «اسکیتجو کلوسچیا» را استفاده می کردند. می گفتند آنهایی که به زبان مادری حرف می زنند، روان پریش هستند. این در آلمان و جاهای دیگر هم بود حتی خانواده ها در خانه هم جرات نمی کردند به زبان مادری حرف بزنند چون همه باید آمریکایی می شدند. اما بعدها همین روانشناسان دیدند کسانی که زبان مادری متفاوتی دارند، می توانند از بقیه جلوتر باشند. کمی علمی برخورد کردند و به نتایجی درست برعکس اخلاف خود رسیدند. مقاله های زیادی چاپ و ثابت کردند که عدم آموزش زبان مادری باعث اختلال های روانی و آموزشی می شود. با این پژوهش ها صفحه برگشت. دیدند دوزبانه ها اگر زبان اول خود را خوب یاد بگیرند، در پردازش اطلاعات هیجانی و حوزه دریافت معنایی به بقیه ارجحیت دارند. به زبان ساده، دیدند اینها بسیار خلاق تر از بقیه هستند. کم کم کار به جایی رسید که اگر پدری یک زبان دارد و مادری یک زبان دیگر، بهتر است مادر، زبان خود را حرف بزند و پدر، هم زبان خود را که این کودک چندزبانه باشد تا خلاق تر باشد. از گوته و خیلی های دیگر نقل می شود؛ کسی که زبان دومی را یاد نگیرد اصلاً زبان مادری را یاد نمی گیرد. اما باید حتماً زبان مادری را یاد بگیرد. خلاصه با این پژوهش های علمی، صفحه برگشت. گفتند ما به زبان خودمان آواز می خوانیم و موسیقی می نوازیم در عین حال در فرهنگ دیگری جذب شده ایم و می توانیم فرهنگ دیگر را هم بفهمیم؛ اما فرهنگ اول اساس زندگی ماست. این تغییر نگرش به زبان مادری در کشورهای دیگر هم اتفاق افتاده است. در کشور ما هم مساله زبان مادری باید جایگاه ویژه ای داشته باشد اما نباید از زبان رسمی هم غافل شد.

دوزبانی چیست و چه تاثیری در تعالی شخصیت انسان می گذارد؟

از دوزبانی تعاریف خاصی می کنند. برخی تعاریفها آنقدر سخت است که شاید نتوانیم دوزبانه پیدا کنیم. اما اکثراً می گویند اگر کسی در خواندن و نوشتن مهارت های زبان دوم

باورهای درونی انسان....

را بلد باشد و بتواند ابراز وجود کند این دوزبانه است. تحقیقات ما نشان می‌دهد که در زبان ترکی آذربایجانی، بیان هیجانات و عواطف برای انسان آذربایجانی خیلی بهتر امکان‌پذیر است. فراموش نکنیم، عواطف و هیجانات اساس زندگی انسان هستند. زبان مادری دیرتر از هر چیزی در انسان خاموش می‌شود. این یک مساله بنیادی در عصب‌شناسی است. زبان مادری تسهیلاتی در مفهوم‌سازی ایجاد می‌کند. ما دنیا را به وسیله زبان کشف می‌کنیم. مفهوم را در حافظه خود باز آفرینی می‌کنیم و آن را به وسیله زبان ارائه می‌کنیم. زبان اول فقط سخن گفتن نیست، هوش هیجانی و عاطفی انسان است. یک ترک‌زبان، حیدربابای شهریار را به گونه‌ای می‌فهمد که دیگران نمی‌توانند بفهمند. هويت عاطفی موجود در این اشعار را بهترین مترجم هم نمی‌تواند منتقل کند. شهریار خودش هم این را مطرح کرده است. او می‌گوید این استعاره‌ها و بیانات را هیچ‌کس نمی‌تواند مطرح کند. هر زبانی ویژگی‌هایی دارد که این ویژگی‌ها، هويت انسان است. جوهر انسان با زبان مادری تبیین می‌شود. بنابراین زبان مادری باید تدریس بشود. باید بدانیم ملیت و هويت در زبان مادری است.

بسیاری می‌گویند زبان مادری، هويت انسان را تشکیل می‌دهد. اگر دانش‌آموزی از زبان مادری خود بیگانه بشود و آموزش نبیند، دچار چه مشکلاتی می‌شود؟

ما یک «زبان درونی» داریم که با گفتار و نوشتار فرق می‌کند. زبان درونی تولیدکننده گفتار است ولی همه‌چیز آن که برونداد دارد، عین آن چیزی نیست که در درون اتفاق افتاده است. تفکر به زبان درونی انسان انجام می‌گیرد، برونداد این زبان، با آنچه در درون هست، فرق می‌کند. اما زبان چه کار می‌کند. مغز نخستین کاری که می‌کند، دنیا را به وسیله چشم و گوش و حواس کشف می‌کند. این دوره پیش‌زبانی است. در مرحله بعد، با یادگیری زبان، زایشی جدید در مغز اتفاق می‌افتد که رفته رفته به انسان هويت می‌بخشد. یک قدم جلوتر مفهوم درست می‌شود. کچم واژه‌ها در سیستم هیجانی و بخشی از قشر مخ که هیجان با آنجا ارتباط دارد، حک می‌شوند. اینجاست که زبان مادری اساس زندگی انسان می‌شود. زبان ابزار تنظیم رفتار با دیگران است. ارتباط فقط برای رفع نیازهای جسمی نیست، برای بیان عاطفه و هیجان است. درد و خوشی و رنج و شادی با زبان مادری ارائه می‌شود. رنگ عاطفی به اطلاعات، صرفاً با زبان مادری انجام می‌شود. البته بعدها انسان یاد می‌گیرد این عواطف را به زبان دیگری هم ارائه کند اما قابل مقایسه با زبان مادری نیست. بخش مهمی از عواطف انسان، به‌صورت بنیادی تنها با زبان مادری بیان می‌شوند. در روانکاوای امروز، زبان مادری اهمیت بسیاری دارد. مریض بدون اینکه آگاه باشد، بیشتر از زبان اول استفاده می‌کند چون در زبان خودش این هیجانات زودتر تنظیم می‌شود. بنابراین وقتی طرف عصبانی می‌شود به زبان مادری گریز می‌کند.

چه نیازی به آموزش زبان مادری هست؟

ما به زبان مادری باید اهمیت بدهیم نه تنها در حوزه آموزش بلکه برای اینکه انسان یاد بگیرد و از آن در فرهنگ و زیستن خود بهره ببرد. زبان در دو حوزه به کار می‌رود؛ یکی برای ارتباط و دیگری برای شناخت. شناخت از ارتباط مهم‌تر است. ما عالم را با زبان می‌شناسیم. شناختی که با زبان اول شکل گرفته کاملاً با زبان دوم کپی نمی‌شود. هرچه فرهنگ بالاتر و رفتارها پیچیده‌تر می‌شود فرهنگ مادری، موثرتر و مهم‌تر

می‌شود. فرهنگ مادری یعنی تفکر و شناخت. اگر کسی نتواند به زبان مادری آموزش ببیند و به آن زبان، متن تولید کند، در پروسه شناخت، نقیصه ایجاد می‌شود. به‌وسیله شناخت فضایی و خود را معرفی می‌کند و اینجاست که اختلال هويت پیش می‌آید. درست است که با زبان دوم می‌تواند گلیم خود را از آب بیرون بکشد اما در زبان دوم عمق وجود ندارد. عمق در زبان مادری است چون زبان مادری وصل به یک فرهنگ درونی است. زبان به خاطر تنازع برای بقا تکامل پیدا نکرده بلکه یک زیست فرهنگی بر آن سوار شده است. محیط، بخش مهمی از زبان مادری را به‌خصوص در زمینه هیجانات و عواطف شکل داده است. در آلاسکا برای برف 18 تا لغت وجود دارد ولی در انگلیسی یا فارسی، تگرگ و برف است. چون انسان آلاسکایی در آن محیط زیسته است. خیلی‌ها در زبان دوم خود، شاید لغت‌هایی را هرچه جست‌وجو کنند پیدا نکنند. در زبان مادری آلمانی «چایدگایست» گوته را نتوانستند ترجمه کنند و باید عین همین را بنویسند به هر واژه‌ای ترجمه کنند، نمی‌شود. من به علم هرمنوتیک وارد نمی‌شوم که بحث‌های جدی درباره زبان مادری دارد. اجازه بدهید به بیان عمومی باید بگوییم که زبان مادری بخش مهمی از هويت جوهری خویشتن خویش انسان است. هنر و فرهنگ علم نیست که تجربی و دو دو تا چهارتا باشد، فرهنگ و هنر با هیجان ارتباط دارد. در این حوزه، زبان مادری حرف نخست را می‌زند. اینها باید با هم باشند تا به غنی‌سازی تفکر بینجامد. در فرهنگ و هنر، زبان مادری در صدر نشسته است. بسیاری از زبان‌شناسان می‌گویند؛ گوته تنها بخشی از حافظ را فهمیده است و بخش بزرگی از آن مانده زیرا آن بخش، مال این خاک و این زبان است که زبان مادری گوته نبوده است.

اگر زبان مادری از کسی دریغ شود، دچار چه رنج‌هایی می‌شود؟

انسان در درون خود که فکر می‌کند بخشی از این تفکر در متن مغز انجام می‌شود و با برونداد آن فرق می‌کند. این یک مساله علمی اثبات شده در مغز است. در مغز رشته‌های عصبی هستند که به زبان مادری مفهوم‌سازی می‌کنند. آنچه از این مفهوم‌سازی بیرون می‌آید، برونداد آن است نه خود آن. اگر این برونداد بخواهد به زبان دیگری ترجمه شود، با آنچه در ساختار مغز جریان داشته بسیار متفاوت می‌شود. اینجاست که کسی که زبان مادری خود را نمی‌تواند، بنویسد، در واقع بخش بزرگی از انفعالات مغزی و ذهنی خود را نمی‌تواند به هیچ عنوان ارائه کند. وقتی می‌خواهم درون خودم با خودم مساله را حل کنم و هیجانات خود را ابراز کنم و بتوانم این هیجانات را ارائه کنم، به زبان مادری نیاز دارم. وقتی زبان مادری را یاد نگرفته‌ام، عمقی‌ترین فرآیند عاطفی و هیجانی خود را از دست می‌دهم. انسان موجود هیجانی‌ای است. اگر هیجان را از انسان بگیریم، دچار بیماری می‌شود. آموزش زبان دوم بدون آموزش زبان مادری، آسیب به مغز وارد می‌کند. زبان مادری با هیجانات اصیل ما سر و کار دارد یعنی آغازگر هیجان انسان است.

کسی که زبان مادری خود را یاد نگرفته با چه مصائبی روبه‌رو می‌شود؟

مغز ما محرک‌های کلیدی را در درون به زبان مادری تولید می‌کند. اگر ما زبان مادری را یاد نگیریم به عاریت می‌افتیم. البته غنای زبان دوم و حجم آموزش آن نیز مهم است. اما هیچ

باورهای درونی انسان....

زبانی در عشق‌ورزی، زبان مادری نمی‌شود. البته این را هم باید گفت که هیچ زبانی خالص نیست. همه زبان‌ها مرکب هستند. همه از هم تاثیر گرفته‌اند اما در بنیاد درونی انسان، آنچه نشسته زبان اول است. زبان یعنی فرهنگ یعنی حافظه جمعی. اگرچه نظام صنعتی و عصر ارتباطات به زبان ضربه می‌زنند اما زبان مادری بنیادی است و در نهاد انسان باقی می‌ماند. در زبان مادری مفاهیم اساسی و عمیق‌تر مطرح می‌شود. زبان عشق البته فقط نوشتاری و گفتاری نیست چیزهای دیگر هم تاثیر می‌گذارد. اما زبان مهم است. اگر به زبان مادری بیان نشود در عشق‌ورزی مشکل ایجاد می‌شود. مگر اینکه زبان دوم را خیلی خوب یاد بگیرد و البته یاد گرفتن زبان دوم به یادگرفتن زبان مادری بستگی دارد.

این روزها، بحث آموزش زبان مادری در مدارس مطرح شده است. عده‌ای مخالف هستند. عده‌ای هم بحث «آموزش زبان مادری» را مطرح می‌کنند و عده‌ای دیگر به «آموزش زبان مادری» اعتقاد دارند. شما چه نظری دارید؟

اینکه ممکن است شما موقعی که زبان عربی و انگلیسی می‌خوانید، زبان فارسی ضعیف شود، از نظر علمی اشتباه است. از نظر علم عصب‌شناسی، ثابت شده که آموزش زبان مادری، به آموزش زبان‌های دیگر، آسیب نمی‌رساند بلکه به تقویت آن می‌انجامد. آموزش با مغز صورت می‌گیرد. این مساله نباید در حوزه انسان و توانایی‌های آموزشی تردید ایجاد کند. اما مقاومت در حوزه دیگری مطرح می‌شود. مقاومت‌ها بیشتر سیاسی است نه علمی. کسانی که با این مساله افراطی برخورد می‌کنند، مشکل درست می‌کنند. سرنوشت کره زمین ایجاب می‌کند که انسان‌های چندزبانه پهلوی هم باشند. این مدل محرومیت زبانی قبلاً نبود. من از نظر عصب‌شناسی می‌گویم بهتر است در شرایطی زبان مادری در مدارس در کیفیت و کمیت خاصی مطرح بشود که شخص بتواند هویت خود را بدون اینکه احساس کمبود کند، ارائه دهد. من بیست سال در آلمان بودم و برای آموزش دانشگاهی، زبان آلمانی یاد گرفتم. در همان‌جا، زمان‌های بسیاری بود که از من خواسته‌اند چیزی را به ترکی یعنی زبان مادری خودم بگویم و بعد خودم همان را ترجمه کنم. استعاره‌ها با زبان مادری معنی خاصی دارند و در ترجمه منتقل نمی‌شوند. استعاره جزو فرهنگ است. ما استعاره انگلیسی را نمی‌فهمیم. متافرم زبان را تنها کسانی می‌فهمند که زبان مادری‌شان باشد. افزون بر همه این‌ها، آموزش زبان مادری، باعث غنی‌سازی زبان دوم هم می‌شود. برخی‌ها می‌گویند بخشی از زبان‌ها نیازی نیست که از حالت شفاهی به مکتوب تبدیل شوند. برخی زبان‌ها شفاهی هستند و تنها برخی زبان‌ها باید مکتوب شوند.

نوشتن، تاریخی کردن زبان است. ما نمی‌توانیم بدون تاریخ بمانیم. فرهنگ شفاهی گم می‌شود. هویت اگر فقط شفاهی بماند هرز می‌رود. واژه در جست‌وجوی معنا گم می‌شود. زبان باید نوشته شود. زبان نباید ایستا باشد. با دینامیسم خانواده و نگارش زبان تغییر پیدا می‌کند، اصالت پیدا کرده و رشد می‌کند. زبان حافظه جمعی است حتی اگر ضبط کنیم از بین می‌رود. نوشتن ضروری است. باید نوشته بشود تا تاریخی شود.

یک روانشناس معتقد بود کسانی که زبان مادری را نمی‌آموزند بنابراین زبان دوم را هم درست یاد نمی‌گیرند. اینها تبدیل

می‌شوند به انسان‌های سردرگم. این موضوع چه مشکلاتی ایجاد می‌کند؟

این مساله، به عقب‌ماندگی مغز اجتماعی منجر می‌شود. تفکر اینها در سطح انضمامی می‌ماند یعنی نمی‌توانند در زبان تصرف کنند. اینها به مسائل روانی و بیماری‌های جدی منجر می‌شوند، به فقر کلامی مبتلا شده و دقیقاً به اختلال هویتی دچار و در ارتباط و... دچار مشکل می‌شوند. اگر انسان نتواند زبان مادری خود را بخواند، هوش و شعور اجتماعی در جامعه کاهش پیدا می‌کند. انسان باید بتواند در یک یا دو زبان ابراز وجود بکند. این یکی از مهم‌ترین دلایل افت تحصیلی و شغلی این افراد می‌شود.

زبان مادری شما ترکی است. زبان‌های متعدد دیگری هم یاد گرفتید؛ لاتین، آلمانی، فارسی، انگلیسی و... و با این زبان‌ها زندگی کرده‌اید، به عنوان کسی که زبان‌های متعدد را یاد گرفته‌اید، زبان مادری‌تان کجای زندگی‌تان قرار دارد؟

زبان مادری من در بنیاد زندگی من قرار دارد. برای من به عنوان یک عصب‌شناس «خاطره‌درمانی» یک روش علمی درمان است. وقتی خودم خاطره‌درمانی می‌کنم به زبان آلمانی این کار را انجام نمی‌دهم. اینجا زبان مادری من است که فوراً می‌کند و جانم هیجانی می‌شود و زندگی خودم را بازخوانی می‌کنم. اگر زندگی ارزیابی نشود زندگی نیست. من زندگی خودم را به زبان خودم ارزیابی می‌کنم. ممکن است لازم باشد به دیگران بیان کنم آن وقت به زبان آنها بیان می‌کنم. اما بهتر زیستن من با زبان مادری من مطرح می‌شود. یک مساله اساسی دیگر در زبان مادری، زیبایی‌شناسی است. به قول هگل استاتیک، قله شناخت است. اینجا زبان مادری بسیار ارزشمند است.

آموزش جهان، اگر به زبان دوم باشد و این زبان دوم صورت اجبار به خود بگیرد؛ به عنوان یک متخصص بگویند این حالت چه مشکلی برای انسان به وجود می‌آورد.

ما این را در فرهنگ‌های مختلف تجربه کرده‌ایم. اگر به انسان فرصت داده بشود، زبان مادری خود را هم بتواند بیان کند و به زبان دوم انتقال بدهد ضررش کمتر است ولی اگر آموزش زبان دوم اجباری باشد، مشکلات زیادی پیش می‌آید. امروزه در دنیا، برای پیشگیری از این مشکلات، حتی برای مهاجران هم امکاناتی برای آموزش زبان مادری ایجاد می‌کنند. کسی که کوچ کند و به جای دیگری برود اگر از زبان مادری خود جدا شود از نظر بنیاد هستی دچار مشکلات اساسی می‌شود. وقتی انسان در جایی پناهنده می‌شود نمی‌تواند با کسی ارتباط برقرار کند. انسان هستی‌گراست. باید در هر شرایطی حتی برای مهاجران نیز امکاناتی برای آموزش زبان مادری فراهم کرد. در غرب اجازه می‌دهند روزنامه و مجله و کتاب به زبان مادری باشد. حالا امکانات گسترده‌ای هم داریم که یک مهاجر می‌تواند امکانات زبان مادری را داشته باشد. مسلماً دور شدن انسان‌ها از زبان مادری خود ضررش هم به جامعه و هم به فرد می‌رسد. نوام چامسکی مقاله‌ای با عنوان «زبان و آزادی» نوشته است که یک شاهکار است. او نشان می‌دهد زبان و آزادی چگونه با هم ارتباط عمیق دارند. مقاله دقیق و زیبایی است. مقاله دیگر او «زبان، ذهن و جامعه» است. زبان و آزادی نسبت وثیق دارند. اگر زبان را از کسی دریغ کنیم در واقع آزادی او را گرفته‌ایم. زبان و آگاهی نیز نسبت دقیق دارند. آگاهی آدمی به آگاهی زبانی او بستگی دارد. وقتی زبان را از کسی می‌گیریم او را از آگاهی محروم می‌کنیم.

منبع: آرمان

پروفسور دکتر حسن عشایری (متولد ۳ فروردین ۱۳۲۰ در تبریز) عصب‌شناس و روان‌شناس عصبی و استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران است. وی دانش‌آموخته دانشگاه فرایبورگ آلمان است.



پیام ایرینا بوکوا، مدیر کل یونسکو به مناسبت روز جهانی زبان مادری

زبان‌های مادری در یک رویکرد چند زبانه اساس و بنیان آموزش با کیفیت بوده و پایه و اساس فرایند توانمند سازی زنان و مردان و جوامع آن می باشد. ما باید قدرت زبان‌های مادری را درک کرده و به قوی شدن آن کمک کنیم تا مطمئن شویم هیچ کس از حق برخورداری از یک آینده عادلانه و پایدار محروم نشود.

موضوع روز جهانی زبان مادری امسال (سال ۲۰۱۶) بر کیفیت آموزش، زبان آموزش و نتایج یادگیری تاکید دارد. هدف از این انتخاب در واقع تاکید بر اهمیت زبان مادری در بالا بردن کیفیت تحصیل و تنوع زبانی به منظور دست یابی به اهداف چشم انداز توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ می باشد

طبق هدف چهارم برنامه توسعه پایدار، دستور کار سال ۲۰۳۰ بر کیفیت تحصیل عادلانه و یادگیری مادام العمر برای همگان متمرکز شده است تا زنان و مردان قادر به کسب مهارت‌ها و دانش لازم برای دستیابی به آنچه که آرزو می کنند داشته باشند و از رهگذر آن شرایط لازم برای مشارکت کامل در فعالیت های اجتماعی را در اختیار بگیرند.

این موضوع به خصوص برای دختران و زنان همچنین اقلیت ها، مردم بومی و جمعیت روستایی اهمیت بالاتری دارد. این مسئله در چهار چوب برنامه جامع عملیاتی ۲۰۳۰ یونسکو همچنین نقشه راه برای پیاده کردن دستور کار برنامه جامع ۲۰۳۰ بازتاب یافته است تا موجب تشویق به استفاده از زبان مادری در تحصیل و یادگیری همچنین ترویج و حمایت از تنوع زبانی گردد.

چند زبانی، ضرورتی است غیر قابل اجتناب برای دست

یابی به اهداف یاد شده. با توجه به مسئله رشد، اشتغال و بهداشت و همچنین الگوی مصرف و تولید پایدار و تغییرات شرایط آب و هوایی، چند زبانی تنها راه دستیابی به کلیت اهداف برنامه جامع ۲۰۳۰ است.

یونسکو سعی دارد تا از طریق حمایت از بار گذاری محتوی محلی بر ارتقا تنوع زبانی در اینترنت، همچنین در مدیا و محصولات اطلاع رسانی تمرکز کند. یونسکو تلاش می کند تا از طریق برنامه "سیستم‌های دانش محلی و بومی" اهمیت زبان مادری را بر عرصه عمومی آورده و از این طریق بر حفظ و به اشتراک گذاری فرهنگ‌ها و دانش بومی که گنجینه غنی از حکمت هستند تاکید می‌کند.

زبان‌های مادری در یک رویکرد چند زبانه اساس و بنیان آموزش با کیفیت بوده و پایه و اساس فرایند توانمند سازی زنان و مردان و جوامع آن می باشد. ما باید قدرت زبان‌های مادری را درک کرده و به قوی شدن آن کمک کنیم تا مطمئن شویم هیچ کس از حق برخورداری از یک آینده عادلانه و پایدار محروم نشود.

برگردان به فارسی: ترکمن گمیچی

گسترش بی عدالتی در جمهوری اسلامی عدم دسترسی به کار شرافتمندانه بیانگر نبود عدالت اجتماعی است



مذهب به انسان اجازه انتخاب دهد. به معنای دیگر عدالت به معنای بازگرداندن حق انتخاب به انسان است.

وی با تاکید بر اینکه وقتی می‌خواهیم به عدالت اجتماعی برسیم؛ یعنی عدالت وجود نداشته و به دنبال آن هستیم؛ خاطر نشان کرد: نبود عدالت اجتماعی به معنای وجود فقر و نابرابری در جامعه است. یک فعال جامعه مدنی ادامه داد: امروز دو دیدگاه نسبت به فقر وجود دارد؛ دیدگاه سنتی که تا ۱۹۹۰ وجود داشت و در تعریف فقر تنها بر موضوع درآمد و مصرف تکیه داشت، اما در دیدگاه جدید علاوه بر درآمد و مصرف مسائلی همچون آموزش، بهداشت، آسیب‌پذیری،

اگر در جامعه‌ای کودکی از تحصیل بازمانده، افراد جامعه به بهداشت دسترسی ندارند و نمی‌توانند؛ هزینه درمان خود را بپردازند به معنای آن است که عدالت اجتماعی وجود ندارد. وقتی تعداد حاشیه‌نشینان کشور ۱۱ میلیون نفر است، وقتی سه میلیون بی‌سواد و کم‌سواد در کشور وجود دارد، وقتی جامعه با مشکل بیکاری درگیر است به معنای آن است که عدالت اجتماعی وجود ندارد.

یکی از بارزترین خواسته‌های مردم در دوران انقلاب بهمن ۵۷، برقراری عدالت اجتماعی بود. خواستی که در رژیم گذشته نادیده گرفته می شد. با گذشت ۳۷ سال از پیروزی انقلاب این اصل اساسی انقلاب نه تنها محقق نشده است، بلکه شکاف طبقاتی بیشتر و فقر در جامعه فراگیرتر شده است. خبرگزاری ایلنا در یک بررسی مختصر به گوشه‌هایی از گسترش بی عدالتی در کشور اشاره دارد، بدون آن که از مسبب این فاجعه نامی ببرد.

ایلنا می نویسد: محمد لطفی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره عدالت اجتماعی با بیان اینکه مفهوم عدالت مناقشه‌انگیز است و تعاریف مختلفی از آن می‌شود، گفت: عدالت به معنای فراهم‌سازی شرایطی است که فارغ از ملیت، نژاد، قومیت،

گسترش بی عدالتی....

بی‌پناهی و بی‌نواپی به عنوان فقر قلمداد می‌شود. حاشیه‌نشینی به معنای نبود عدالت اجتماعی است

وی اظهار کرد: اگر در جامعه‌ای کودکی از تحصیل بازمانده، افراد جامعه به بهداشت دسترسی ندارند و نمی‌توانند؛ هزینه درمان خود را بپردازند به معنای آن است که عدالت اجتماعی وجود ندارد. وقتی تعداد حاشیه‌نشینان کشور ۱۱ هزار نفر است، وقتی سه میلیون بی‌سواد و کم‌سواد در کشور وجود دارد، وقتی جامعه با مشکل بیکاری درگیر است به معنای آن است که عدالت اجتماعی وجود ندارد.

لطفی با تاکید بر اینکه فقر به معنای نابرابری بوده و نابرابری در مقابل عدالت قرار دارد، خاطر نشان کرد: فرد فقیر در معرض آسیب بوده و فرصت کمی برای بهبود زندگی خود دارد یا اصلاً فرصتی برای این کار ندارد، فقر به معنای آن است که افراد جامعه به کار شرافتمندانه دسترسی ندارند و همه این موارد به معنای نبود عدالت اجتماعی برای حفظ کرامت انسانی است.

این فعال جامعه مدنی با بیان اینکه فقر چند بعدی به معنای به چالش کشیده شدن بیشتر عدالت اجتماعی در یک جامعه است، افزود: به نظر می‌رسد؛ جامعه ما نیز به همین وضعیت دچار است، یعنی ممکن است؛ افراد غذای کافی یا مسکن نداشته باشند یا تحصیلات و آموزش آنها در معرض آسیب باشد.

عدالت اجتماعی به معنای کرامت انسانی است

وی ادامه داد: وقتی از عدالت اجتماعی سخن می‌گوییم به دنبال کرامت انسانی هستیم و وقتی می‌گوییم؛ می‌خواهیم به عدالت اجتماعی برسیم یعنی می‌خواهیم انتخاب را به انسان‌ها برگردانیم، زیرا فرد فقیر نمی‌تواند؛ انتخاب کند که به کدام مدرسه برود یا حتی لباس خود را انتخاب کند. وقتی آموزش تبدیل به کالا می‌شود و شما نمی‌توانید؛ هزینه آموزش فرزندان را بپردازید، یعنی آن را از سبد کالاهای خود حذف کرده‌اید.

لطفی با یادآوری اینکه در سال ۹۴ دستمزد ۷۰۰ هزار تومان تعیین شد، اما مرکز پژوهش‌های اسلامی عدد خط فقر را ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تعیین کرد، خاطر نشان کرد: زمانی که درباره دستمزد صحبت می‌شود و فاصله آن با خط فقر به معنای آن است که از معیاری بر وجود یا عدم وجود

عدالت اجتماعی در کشور صحبت می‌کنیم.

وی افزود: وقتی خط فقر مطلق را برای خانواده ۴ نفره یک میلیون تومان در نظر می‌گیرند و دستمزد ۷۰۰ هزار تومان است، این فاصله معنایی جز نبود عدالت اجتماعی ندارد. دستمزد کارگران افزایش یابد یک فعال جامعه مدنی اولین راهکار برای عدالت اجتماعی در جامعه را افزایش دستمزد کارگران متناسب با تورم و حتی بیش از آن دانست و خاطر نشان کرد: برخی می‌گویند؛ انسان اسیر درآمد است و کالا اسیر قیمت. هر کالا قیمتی دارد و برای به دست آوردن آن باید درآمد داشته باشید، زیرا بدون پول قدرت خرید وجود ندارد.

لطفی راهکار دیگر عدالت اجتماعی را رایگان کردن آموزش و رایگان کردن و عمومی کردن بهداشت در جامعه خواند و افزود: همچنین بحث مسکن اجتماعی باید پیگیری شده و مسکن در اختیار افراد ضعیف و کم‌درآمد قرار گیرد، یعنی با بالا بردن درآمد خانواده باید از آن حمایت کنیم.

وی گفت: با ارائه خدمات نقدی و غیر نقدی به خانواده‌های در معرض آسیب و بحران می‌توانیم؛ آنان را به حدی از زندگی عادی برسانیم. محرومیت از تحصیل از اشکال بی‌عدالتی است یک فعال جامعه مدنی با تاکید بر اینکه محرومیت از تحصیل نیز از اشکال بی‌عدالتی است، خاطر نشان کرد: اگر کودکان نمی‌توانند به مدرسه بروند، اگر تغذیه مناسب ندارند یا دچار ازدواج زودرس می‌شوند؛ یعنی زندگی عادلانه از این کودکان گرفته شده و عدالت در جامعه وجود ندارد.

لطفی با طرح این سوال که آیا در جامعه ما همه کودکان به آموزش باکیفیت و رایگان دسترسی دارند، تاکید کرد: بزرگترها مکلف به دفاع از خودشان هستند، اما کودکان باید تحت حمایت بزرگسالان باشند و اگر می‌خواهیم میزان عادلانه بودن یک جامعه را بسنجیم باید بررسی کنیم که حقوق کودکان در آن جامعه چگونه است و آیا این حقوق بصورت فوری و بدون ایراد به آنان داده می‌شود، اگر چنین است؛ یعنی جامعه به لحاظ عدالت اجتماعی در وضعیت خوبی به سر می‌برد.

وی با تاکید بر اینکه معیار عادلانه و انسانی بودن یک جامعه رعایت حقوق کودکان آن جامعه است، تصریح کرد: اگر جامعه‌ای ۷ میلیون کودک کار دارد، یعنی ۷ میلیون بار بی‌عدالتی در آن اتفاق افتاده است.



تلاش‌های اصلی برای برگزاری این جشنواره از سوی رضا والی، آهنگساز ایرانی مقیم آمریکا صورت گرفته بود. رضا والی در کنار فعالیت‌های گسترده آهنگسازی و آموزشی، با همکاری شماری از استادان موسیقی ایرانی و فعالان

دوستی هشتصدساله موسیقی ایران و ترکیه**در گفت‌وگو با رضا والی****پژمان اکبرزاده پیانیست و پژوهشگر موسیقی**

دانشگاه کارنگی ملون (Carnegie Mellon) در آمریکا ماه گذشته میزبان جشنواره موسیقی "سه‌گانه" بود؛ جشنواره‌ای که برای بررسی و شناساندن جنبه‌های گوناگون موسیقی ایران و ترکیه برگزار شد. این دو کشور به دلیل همسایگی، در کنار برخورداری سیاسی، سده‌هاست که داد و ستدهای فرهنگی نیز داشته‌اند؛ موضوعی که کمتر در برنامه‌های فرهنگی به آن توجه می‌شود.

جشنواره "سه‌گانه" با کوشش تعدادی از انجمن‌های فرهنگی-دانشجویی ایرانی و ترک، و همچنین دانشکده موسیقی دانشگاه کارنگی ملون سازماندهی شد و طی سه روز به ارائه موسیقی سنتی ایران و ترکیه، نشست‌های آموزشی و ساخته‌های مدرن آهنگسازان این دو کشور پرداخت.

دوستی هشتصدساله موسیقی...

فرهنگی، مرکزی برای شناساندن موسیقی ایران در دانشگاه کارنگی ملون ایجاد کرده است.

تکیه بر نزدیکی‌های موسیقی ایران و ترکیه

رضا والی به بی بی سی فارسی می‌گوید: "در خاورمیانه، موسیقی ایران و ترکیه بیش از دیگر فرهنگ‌های موسیقایی به هم نزدیک هستند. ما نوشته‌هایی در زمینه موسیقی از نظریه پردازانی مانند فارابی، صفی الدین ارموی و عبدالقادر مراغه‌ای داریم که درباره سیستم موسیقی ایران نوشته‌اند و آنچه روایت کرده‌اند بسیار شبیه به ساختار موسیقی رایج در ترکیه هم هست. در جشنواره "سه‌گانه" ما تلاش کردیم روی این نزدیکی‌ها تاکید کنیم."

والی به رفت و آمد نوازندگان ایرانی به دربار عثمانی در زمان صفویان اشاره می‌کند و می‌افزاید: "سه‌گانه که امروزه به عنوان یکی از دستگاه‌های موسیقی ایرانی شناخته می‌شود در آن زمان به عنوان یک مقام در موسیقی ایران و ترکیه مطرح بوده است. یک سری از این مقام‌ها در موسیقی ایران تغییر پیدا کرده‌اند ولی در موسیقی ترکیه همچنان حفظ شده‌اند، تا حدی که امروزه میان سه‌گانه‌ای که در ایران می‌نوازند و سه‌گانه رایج در موسیقی ترکیه، تفاوت‌هایی می‌بینیم. ولی حدس می‌زنم که با توجه به اسناد تاریخی، دست‌کم بخشی از موسیقی کهن ایران در حدود سده پانزدهم میلادی، امروزه در موسیقی ترکیه هنوز اجرا می‌شود. چون اطلاعات عمده ما از موسیقی ایران از سده نوزدهم میلادی است که سیستم دستگاه پدید آمده است ولی اطلاعات گسترده‌ای از موسیقی ایرانی در سده‌های پیش از آن نداریم."

در جشنواره سه‌گانه، موسیقی ایران و ترکیه در فرم‌های گوناگونی به شنوندگان ارائه شدند: موسیقی سنتی با سازهای سنتی، تکنوازی، هم‌نوازی و آثار مدرن آهنگسازان دو کشور که تأثیراتی از موسیقی سنتی کشورشان را هم در خود دارند. در یکی از بخش‌های برنامه از نوازندگان ایران و ترکیه خواسته شد تا سه‌گانه رایج در موسیقی ایران و ترکیه را بنوازند.

رضا والی می‌گوید: "نتیجه این کار این بود که متوجه شدیم گرچه سه‌گانه در این دو فرهنگ موسیقایی به مرور زمان با هم تفاوت زیادی پیدا کرده‌اند اما هنوز اشتراکاتی نیز دارند از جمله اینکه تاکیدها در سه‌گانه هر دو، با اندک تفاوتی، هنوز روی درجه سوم مقام (شاهد) هستند. ما یک بداهه نوازی جالب در سه‌گانه از اسماعیل لومانوفسکی داشتیم که نه تنها به موسیقی ترکیه مسلط است بلکه با موسیقی بالکان که تأثیر زیادی در موسیقی ترکیه داشته نیز آشنایی زیادی دارد. از سویی داریوش تقی، استاد موسیقی ایرانی، روی سنتور بداهه

نوازی داشت و سپس درباره آنچه نواختند بحث‌های زیادی صورت گرفت تا نه تنها روابط موسیقی سنتی ایران و ترکیه را نشان دهیم بلکه از تأثیر آنها روی موسیقی معاصر دو کشور هم صحبت کنیم. به همین خاطر، برای نمونه، در یک شب از جشنواره، لیلیا رمضان، پیانیست ایرانی، کارهایی از آهنگسازان معاصر ایران و ترکیه را برای شنوندگان اجرا کرد."

ساختار یکپارچه موسیقایی در خاورمیانه

رضا والی بر این باور است که از سده هشتم تا هجدهم میلادی در خاورمیانه یک ساختار موسیقایی مشترک به نام سیستم "مقام" در جریان بوده؛ ساختاری کمابیش یک دست که تا شمال آفریقا و جنوب اسپانیا نیز گسترش پیدا کرده بوده است. آقای والی این ساختار را با شرایطی که در سده هجدهم میلادی در اروپا پیش آمد مقایسه می‌کند و می‌گوید: "در سده هجدهم میلادی در موسیقی اروپا موضوع گام معتدل پیش آمد؛ در نتیجه موسیقی در آلمان، فرانسه، بریتانیا و ... کمابیش به ساختار یکسانی رسیدند، اما در رابطه با ایران و خاورمیانه - به دلایلی که برای من هنوز دقیقاً روشن نیست - ساختار موسیقی تغییر پیدا کرد؛ یعنی تقریباً از آغاز سده نوزدهم در موسیقی ایران، سیستم دستگاهی جایگزین سیستم مقامی می‌شود."

رضا والی ابراز امیدواری می‌کند که بتوان با غلبه بر مشکلات مالی، "جشنواره سه‌گانه" را ادامه دهد تا برنامه‌هایی اجرایی و بحث درباره جنبه‌های مشترک موسیقی ایران با دیگر موسیقی‌های پیرامون آن گسترش پیدا کند. آقای والی از کمبود فعالیت‌های اجرایی و آموزشی در این زمینه گل‌مند است و معتقد است نگاه این کشورها بیشتر به سوی غرب معطوف شده تا ریشه‌های مشترک میان خودشان.

کنسرتویی برای کمانچه، نی و ارکستر مجلسی

رضا والی برای جشنواره سه‌گانه، یک کنسرتو برای نی، کمانچه و ارکستر مجلسی ساخته است. این اثر در دستگاه سه‌گانه آفریده شده و با تکنوازی خسرو سلطانی (نی) و کیان سلطانی (کمانچه) با همراهی ارکستر مجلسی به رهبری دانیل کورتیس در جشنواره اجرا شد. دستگاه سه‌گانه از جمله دستگاه‌های موسیقی ایرانی شناخته شده که به شدت با ارکستراسیون غربی سر ناسازگاری دارد و آهنگسازان این سبک به همین خاطر، چندان به سراغش نمی‌روند. اما رضا والی همین تضاد را جذاب یافته و تصمیم گرفته "سه‌گانه" را به گونه‌ای دیگر در آهنگسازی برای ارکستر غربی به کار گیرد.

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری



پیام انتخابات تمکین از قانون بود با ممنوعیت و حصر راه به جایی نمی‌بریم

... این چگونه آزاداندیشی‌ای است که دانشجویان نمی‌توانند نام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سابق را به زبان بیاورند؟! چگونه ممکن است نتوانیم نام فردی که همین یک دهه پیش رئیس‌جمهور کشور بوده و در پیشرفت کشور تأثیر بسزایی داشته‌است؟!!

مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی ایلنا، با اشاره به برگزاری دو انتخابات مهم و سرنوشت‌ساز ۷ اسفندماه در مسیر پیشرفت کشور اظهار داشت: پیام مهم این دو انتخابات این بود که هنگامی که بر اساس قانون عمل کنیم، مشکلی پیش نمی‌آید و هنگامی که برخلاف قانون عمل می‌کنیم، عکس‌العمل‌های نامناسبی از سیستم می‌گیریم که به نفع مملکت نیست.

او تأکید کرد: اگر در رابطه با آنچه در قانون اساسی به‌عنوان حق جامعه آمده درست برخورد کنیم، نباید با مشکلی روبرو شویم اما اگر سلیقه‌ای برخورد کنیم، طبیعتاً به مشکل برمی‌خوریم و انعکاس آن را به گونه‌های متفاوت در جامعه خواهیم دید.

نماینده مردم تبریز در مجلس با بیان این‌که پیام اصلی انتخابات تمکین از قانون بود، گفت: نمی‌توان برخی از قوانین را بپذیریم و بعضی از قوانین را منافی مصالح بدانیم. نمی‌توان با عده‌ای به دلیل تخلف از قانون برخورد کنیم و با عده‌ای دیگر به این بهانه که اقدامشان خودجوش یا ارزشی بوده، با تساهل برخورد کنیم. قانون خودجوش و غیرخودجوش نمی‌شناسد و هیچ‌کس حق ندارد خودجوش یا غیرخودجوش برخلاف قانون عمل کند.

او در توضیح علت پیروزی تمامی لیست اصلاح‌طلبان در تهران و دلیل لیستی رای دادن، یادآور شد: اقدام یکپارچه مردم تهران در رای دادن به لیست اصلاح‌طلبان را می‌توان به عنوان واکنشی به بی‌قانونی‌ها ارزیابی کرد. در واقع مردم تهران در اعتراض به روند موجود به صورت یکپارچه به لیست اصلاح‌طلبان رای دادند. ..

نماینده مردم تبریز اضافه کرد: در شرایطی که بسیاری معترض بودند که چرا شورای نگهبان بسیاری از نیروهای خدوم اصلاح‌طلب را تأیید نکرده، عده‌ای مدعی شدند که برخی از افرادی که توسط این شورا تأیید صلاحیت شدند، انگلیسی‌اند و این اتفاق نمونه‌ای دیگر از همان رفتار خلاف قانون است. این درست نیست که برخی به خود حق می‌دهند، به هر کسی را که دوست ندارند، هر انگی بچسبانند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نهم یادآور شد: افرادی که توسط تندروها انگلیسی خطاب شدند، امروز با رای مردم به مجلس خبرگان راه یافتند، آیا این مسخره نیست؟! در واقع مسئله این نیست که این افراد انگلیسی بودند، بلکه کسانی که چنین مسائلی را مطرح می‌کردند، تهمت و اتهام بی‌اساس می‌زدند.

او با اشاره به حمایت رادیو بی‌بی‌سی از نیروهای انقلابی در

جریان انقلاب اسلامی، گفت: زمانی که ما به دنبال انقلاب و سرنگونی رژیم شاه بودیم، آیا بی‌بی‌سی از انقلاب طرفداری نمی‌کرد؟! حال با استدلال این آقایان پس باید نتیجه گرفت انقلاب ما انگلیسی بود؟!!

پزشکیان ادامه داد: زمانی که تندروها در اسرائیل و آمریکا با برجام مخالفت می‌کردند، این افراد نیز در داخل کشور مخالف برجام بودند اما کسی نمی‌گفت مخالفان داخلی برجام حرف اسرائیل را تکرار می‌کنند...

نماینده مردم تبریز همچنین با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم احیای کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها، اعلام کرد: این چگونه آزاداندیشی‌ای است که دانشجویان نمی‌توانند نام رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر سابق را به زبان بیاورند؟! چگونه ممکن است نتوانیم نام فردی که همین یک دهه پیش رئیس‌جمهور کشور بوده و در پیشرفت کشور تأثیر بسزایی داشته‌است؟!!

او ادامه داد: این شیوه‌ها جواب نمی‌دهد و نتیجه این برخوردها این است که مردم به در واکنش به یک ویدئوی آقای خاتمی، یکپارچه رای می‌دهند. ما به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک می‌کنیم. مسئله وجود دارد و باید با این مسئله به‌صورت واقعی و درست برخورد کنیم.

پزشکیان گفت: ما می‌توانیم در دانشگاه‌ها و مجامع بین‌المللی به راحتی با منطق اسلامی از دیدگاه و نظریات دفاع کنیم اما با ممنوعیت، حذف، تحریم و حصر راه به جایی نمی‌بریم.

این نماینده اصلاح‌طلب مجلس اعلام کرد: کلید گشایش مشکل ممنوع‌التصویری آقای خاتمی و همچنین مسئله حصر تنها در دست یک نفر نیست و تا زمانی که هماهنگی کامل میان دولت، مجلس، قوه قضاییه و نیروهای امنیتی به وجود نیاید، این مشکل‌ها حل نخواهد شد.

او اضافه کرد: فراموش نکنیم که حل این مشکل‌ها ارتباطی به مجلس ندارد، چراکه صدور احکام آن توسط شورای عالی امنیت ملی صورت گرفته و مجلس تصمیمی درباره آن نگرفته‌است.

پزشکیان تصریح کرد: این یک واقعیت است که با کتمان آن چیزی تغییر نمی‌کند. واقعیت این است که این افراد به شدت در فضای جامعه تأثیرگذارند و در جامعه طرفدارانی دارند. واقعیت این است که تعدادی از افراد جامعه سوال دارند، تعدادی از افراد جامعه مشکلاتی دارند و ما کاری کرده‌ایم که نمی‌توانیم به برخی از این سوال‌ها پاسخ بدهیم و این درست نیست.

گرامی باد خاطره تابناک شهدای جنبش ۲۱ آذر

زنان آذربایجان

برای اولین بار در تاریخ در انتخابات شرکت کردند

روزنامه آذربایجان ارگان رسمی فرقه دمکرات آذربایجان شماره ۶۹

نویسنده: م. طاهر

گرفته از اعتقاد و احترام فرقه دمکرات آذربایجان به مادران و خواهرانمان می باشد.

بگذار تمام ملل دنیا شاهد باشند که زنان آذربایجان با قلبی سرشار از عشق و امید در انتخابات مجلس ملی شرکت میکنند، زنانمان به این هم کفایت نخواهند کرد و در آینده محق خواهند بود بعنوان کاندید در انتخابات و تعیین سرنوشت خود و جامعه شرکت کنند، بگذار طالع مادرانمان بشکفتد و این هدیه و مژده مادران و خواهران آذربایجان به تمام مادران و خواهران ایران باشد.

با این افتخار مادران و خواهران آذربایجانی در صفحه تاریخ با خطی قرمز (برگرفته از خون و شجاعت) نام پرافتخار خود را در راه دفاع از آزادی های انسانی و حقیقی خود ثبت خواهند کرد، تاریخ همیشه از آزادیخواهی و مبارزات قهرمانانه زنان آذربایجان برای آزادی به افتخار یاد خواهد کرد.

شاعر خلقمان جناب بی ریا جناب بی ریا در شعری که

روزنامه مان چاپ کرده می گوید.

گونش سحر دوغاجاق «قطب» دان سعادتله

بو گورکملی منظره دن قورتولوب شرافتله

همیشه عمر ایلیه رک جهاندا اسوده

او شاتلی دوره فقط حکمران اولار توده.

منظور شاعر گرانقدر از گونش یا نور راهی است که فرقه دمکرات آذربایجان برای رهایی خلق آذربایجان، خصوصاً زنان نشان میدهد یا می پیماید است.

زنده باد مادران، خواهران و دختران آذربایجان.

روزنامه آذربایجان ارگان رسمی فرقه دمکرات آذربایجان شماره ۶۹، دوازدهم اذر ماه ۱۳۲۴

برگردان: قهرمان قهرمانی

مادران و خواهران محروم از حقوق اجتماعی که در سرینجه ارتجاع سیاه، ظلم و استبداد به اسارت درآمده اند برای اولین بار در آذربایجان در انتخابات شرکت کردند.

انها که با زحمت شب و روز ما را نشوء و نما داده اند، آنها که بیشتر از مردان از آموزش علم و معارف محروم شده اند، ارتجاع راه آموزش علم، معارف و مدنیت را به روی مادران باغیرت و با ناموس ما بسته بود و آنها را از کلیه حقوق انسانی و بشری محروم کرده بود و در این پروسه آنها تبدیل به انسانهای مفلوک و در حال زوال شده بودند.

برابری زنان و مردان و برخورداری آنها از حقوق انسانی مسئله تازه ای نیست، بلکه در کشورهای برخوردار از آزادی و دموکراسی زنان مالک حقوق انسانی شان شده اند و در پیشبرد سرنوشت خود و امور دولت سهیم هستند، ما امروز در جبهه های جنگ رزم آنها را شاهد هستیم، هدایت هواپیما و ماشین توسط زنان تبدیل به امری جاافتاده شده است. اما ارتجاع در کشور ما زنان ما را با تحمیل محرومیت های غیر انسانی، بدبخت و بیچاره کرده است. امروز زنان آذربایجانی دوشادوش مردان آذربایجانی مشعل آزادی زنان ایران به سوی سعادت را حمل میکنند.

آری ممکن است که انسانهای مرتجع، مستبد و با ذهنیت های عقب افتاده، از اعطای حق رای به زنان تعجب یا مخالفت کنند. ولی در این مسئله هیچ جای تعجب نیست، زنان سهم بزرگی از مبارزه برای آزادی دارند و در این راه حماسه ها افرینند.

بعنوان مثال در یونان زنان با سلاح و یا حتی با سنگ در مقابل ارتجاع و استبداد مقاومت میکنند. زنان افتخار جامعه هستند، و امروز خلق آذربایجان خوشبخت است که برگ تازه ای به افتخارات خود اضافه کرد و انهم اعطای حق رای به مادران و خواهرانمان برای مجلس ملی است. و این نشأت

پیام جمعیت حقوق بشر آذربایجان - ارک

با هشتم مارس در تاریخ گریگوری بود بهمین جهت از آن به بعد روز هشت مارس «روز زن» نامیده شد.

در سال 1945 در اساسنامه سازمان ملل برابر حقوقی زنان با مردان برسمیت شناخته شد و در سال 1948 منشور جهانی حقوق بشر تماماً برپایه برابری حقوقی زنان با مردان تنظیم گردید و در سال 2015 که برنامه هفده ماده ای سازمان ملل برای توسعه پایدار در جهان تا سال 2030 تصویب شده است، ماده پنجم آن به برابر حقوقی زنان با مردان تعلق دارد. از نظر سازمان ملل هیچ یک از مسائل و مشکلات جوامع بشری و توسعه پایدار جهانی بدون شرکت گسترده زنان امکان پذیر نیست و این مشارکت زمانی عملی شدنی است که زنان مستقل شده و در تمام عرصه ها با مردان برابر حقوق شوند. براین اساس برنامه توسعه پایدار سازمان ملل، آموزش با کیفیت زنان و دختران، رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، جلوگیری

به مناسبت صد و ششمین سال روز جهانی زن

یک دم ز حقوق مدنی دم بزن ای زن

وین دام سیه سلسله برهم بزن ای زن

تا چند زنی برسر و برسینه خود مشت؟

مشتی به سر شیخ معمم بزن ای زن

(استاد شهریار)

در سال 1910 به پیشنهاد کلارا زتکین زن مبارز آلمانی در کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست در کوپنهاگ با توافق آراء تصویب شد که یک روز در سال بعنوان «روز بین المللی زنان» انتخاب شود. خواست اصلی زنان در آن زمان داشتن حق رای و برابر حقوقی با مردان بود. در 23 فوریه 1917 زنان پتروگراد در روسیه با اعتصاب خود تزار را مجبور کردند تا حق رای زنان را برسمیت بشناسد. این روز مصادف

پیام جمعیت حقوق

از خشونت علیه زنان و مبارزه با سنت های ناقص حقوق زنان رابرای تمام کشورها الزامی می داند.

مبارزه زنان پیشرو برای حق کار، حق رای، حق صیانت از فرزند و برابر حقوقی در تمام عرصه ها از قرن نوزدهم شروع شده است و همچنان در کشورهای مختلف دنیا باشکال گوناگون ادامه دارد.

مبارزه برای برابر حقوقی زنان با مردان در ایران با انقلاب مشروطیت از آذربایجان شروع شده است و پروین اعتصامی شاعر بلند آوازه آذربایجان برجسته ترین نماینده این مبارزه

است. وی اشعار متعددی درباره آزادی زنان و حجاب دارد و متن سخنرانی او در جشن فرغ التحصیلی خودش کلا به آزادی زنان اختصاص یافته است.

پنج سال بعد از درگذشت پروین اعتصامی، با تشکیل حکومت ملی آذربایجان برهبری پیشه وری در سال ۱۳۲۵ زنان آذربایجانی به برابر حقوقی با مردان رسیدند و برای اولین بار در ایران آنروز صاحب حق رای شدند و نماینده مجلس ملی گردیدند. شایسته است که مبارزات زنان برجسته جهان و پیشروان مبارزه زنان در وطن خودمان سرمشق مبارزات زنان فعال در حرکت ملی آذربایجان گردد.

ژاله تبریزی

آنین عید نوروز (نوروز بایرامی) در منطقه آذربایجان

نوروز اولین روز سال خورشیدی ایرانی برابر با اول فروردین ماه، جشن آغاز سال نوی ایرانی و یکی از کهن ترین جشن های به جا مانده از دوران ایران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز هم مردم مناطق مختلف فلات ایران، نوروز را جشن می گیرند. زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است که امروزه به آن برابری بهاری یا اکیونوس می گویند.

نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می شود و در برخی دیگر از کشورها تعطیل رسمی است.

در برخی از متن های کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر از متن ها، کیومرث به عنوان پایه گذار نوروز معرفی شده است. پدیدآوری نوروز در شاهنامه، بدین گونه روایت شده است که: جم (جم) در حال گذشتن از آذربایجان، بر روی تخت جمشیدی ارگ جمشید در آنجا فرود آمد و با تاجی زرین بر روی تخت نشست با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نوو جم را جمشید نامیدند. مهمترین چهره های اسطوره ای مانند جمشید، سیاوش و کیخسرو پیوندی نزدیک با نوروز دارند. نوروز روز پیروزی بزرگ جمشید بر دیوان است که نماد پلیدی هایی چون سرما، تاریکی، جهالت و خشونت بودند. عروج جمشید و عروج کیخسرو در این روز اتفاق افتاد که تفاسیر گوناگونی را به همراه دارد. در این روز جمشید جهان غیب را در جام جهان نما مشاهده کرد. همان جامی که در آن کیخسرو جای بیژن را مشاهده کرد و رستم را به دنبال او فرستاد. اما حکایت دگر دیسی و باز آفرینی سیاوش، حکایتی ویژه است که با روایت هایی مانند ادونیس، پرسفون، ازیریس یا تمرز قابل مقایسه است.

تکم و تکم چی:

هنگامی که برفهادر سینه ساوالان آب شده و به صورت رود هادر سرزمین پهناور آذربایجان جاری می شود صدای تکم و تکم چی هائیدر شهر و روستای پیچده که بازبان شیرین و آهنگین خود به مردم نوید آمدن بهار را می دهد و خلق رابرای پاک کردن کینه از دلها و گردوغبار از خانه هایشان دعوت می کنند.

تکم یک عروسک چوبی سنتی است. واژه تکم از دوی بخش (تکه) و (م) تشکیل شده است که در زبان ترکی به معنی بز نر قوی هیکل که همیشه در رأس گله حرکت می کند. و گله رابه چراگاه و محل های معین هدایت می کند (م) ضمیر ملکی دوم شخص مفرد است و تکم در واقع به معنی بز نر من است به کسانی که تکم را می رقصانند تکم چی گویند که اشعار مخصوص تکم رابا آهنگی خاص می خوانند. تکم عروسکی است چوبین که روی آن رابا مخمل یا پارچه های به رنگ قرمز می پوشانند و روی این پارچه رابا پولک، زنگوله، سکه و نیز پارچه های الوان و حتی آئینه تزئین

می کنند. هریک از تزئینات تکم علت و فلسفه ای داشته است مثلا زنگوله و سکه برای ایجاد سرو صدا بیشتر بوده تا مردم راز داخل خانه ها به کوچه ها و دم در خانه ها بکشاند. از سوی دیگر یک ضرباهنگ برای حرکت تکم بوجود می آورد اینکه به دوطرف عروسک طرفین شکم عروسک آئینه نصب می کردند به این دلیل بود که تکم خبر فرارسیدن سال نو را به مردم میداد و با خود آئینه ای به رسم روشنائی و صفاداشت اینکه در ساخت تکم همیشه از رنگ قرمز برای پوشاندن بدنه اصلی استفاده می کردند شاید به این دلیل بود که در آذربایجان قدیم لباس و توری سروروی عروس به رنگ قرمز بوده و خواسته اند تکم نیز مثل هر عروسی مظهر شادی و خوشی باشد.

تکم چی هاو تکم گردانان در بین دو چهارشنبه آخر یعنی کول چرشنبه و گول چرشنبه می آیند و اشعارشان را خوانده و مژدگانی آمدن عید و فرارسیدن نوروز را می گیرند. تکم خوانی و تکم گردانی آئینی است که همواره در خطه آذربایجان و مناطق آذری زبان به عنوان سنتی ماندگار و منحصربه فرد در زمینه عید باستانی نوروز مورد توجه مردم بوده و باروش مخصوص خود به اجرادرمی آید. متأسفانه با پیشرفت علم و تکنولوژی، صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی و در نهایت به علت فراهم نبودن بستر ارائه آن عقب نشینی کرده و در حال فراموشی است.

اشعار تکم خوانی:

مهمترین بخش آئین تکم گردانی خواندن اشعار آن است. نمایش های آئینی ساختار نمایشی محکمی ندارند و ساختار نمایشی آنها بسیار ساده، صمیمی و روان بوده و بیشتر بیانگر مفاهیم انسانی عصر خودشان است. این نمایش ها به احتمال زیاد ادامه همان سرودهای ایران باستان هستند که مربوط به دوره هخامنشیان و قبل از آن است که به مرور زمان با تغییر شکل به ما رسیده است. اشعار تکم خوانی از لحاظ ساختاری جزو ترانه های عامیانه محسوب میشود. در اشعار تکم

آیین عید نوروز

خوانی گاهی اشعار مذهبی نیز به چشم می خورد این اشعار بر اساس مستندات موجود از زمان صفویه که بنیان گذار شیعه در ایران هستند وارد این آیین شده و اغلب در سالهایی که ایام نوروز با مناسبت های مذهبی همزمان میشود از این اشعار مذهبی استفاده می شود. تکم گردانها این گونه آواز سر می دهند:

بو تکه آختا تکه

بو یونونداوار نوختا تکه

گاه قول اولار ساتنلار

گاهدا چنخار تاختا تکه

جناب جبرئیل نامه گتوردی

گتورجگین بیمیره بتوردی

مبارک قوللارین گو به گتوردی

سبزون بوتازه بایر آموز مبارک

آبوز، ایلوز، هفتوز، گونوز مبارک

وجه تسمیه چهارشنبه در فرهنگ آذری:

به اعتقاد مردم آذربایجان عدد چهار اصل و ریشه طبیعت جاودانه است. بر اساس رسمی دیرین در خطه آذربایجان در اسفندماه هر هفته جشنی برای استقبال از بهار بر پا می شد، مردم این جشنها را از اولین چهارشنبه اسفندماه معروف به یالانچی چرشنبه (چهارشنبه دروغین) شروع و مراسم چهارشنبه در دومین چهارشنبه که به "خبرچی چرشنبه" (چهارشنبه خبرچی)، سومین چهارشنبه که به "گول چرشنبه" (چهارشنبه خاکستری) و چهارمین چهارشنبه نیز که به "گول چرشنبه" (چهارشنبه گل) معروف بود، ادامه می یافت.

به اعتقاد مردمان این سرزمین، عدد چهار اصل و ریشه طبیعت جاودانه است و با توجه به اعتقاد عمیق به چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش در زندگی مردم اولین چهارشنبه را منسوب به باد، دومین چهارشنبه ماه آخر سال نیز منسوب به خاک، سومین چهارشنبه منسوب به آتش و چهارمین چهارشنبه هم منسوب به آب بود.

بر اساس پژوهش های انجام یافته زمان دقیق اجرای این رسم معلوم نگردیده ولی با توجه به نزدیکی اجرای آن به ایام نوروز (اسفند) می توان گفت که اجرای آن بی مناسبت با فرا رسیدن ایام خجسته نوروز نبوده است چه بسا که این رسم در حوزه های فرهنگی آذربایجان شرقی و استان اردبیل نیز به لحاظ فرا رسیدن نوروز برگزار می شده است اشعاری که تکم چی های حوزه یاد شده در این ارتباط می خوانند نیز می توان موید همین مطلب باشد.

چهارشنبه سوری در بخش ارسق (روستای طاقچه داش)

صبح چهارشنبه سوری بانوان روستا گردهم می آمدند به چشمه روستا می رفتند همراه خود جارو کهنه و پیاز می بردند. منظور از بردن جارو این بود که مشکلات، بلاها در درونج سال گذشته راجو کرده و به چشمه روستا ریخته تا آب جاری آن را ببرد پیازها را جویده و آن را داخل چشمه انداخته تا تلخی روزهای گذشته داخل آب چشمه ریخته شود تا آب ببرد روزهای خوب و شیرین پیش رود داشته باشند بعد از روی چشمه به این طرف و آن طرف می پریدند و شعری می خوانند. آفریقیم، بو قوریقیم، باش آفریم، دیش آفریم توکیل قال سودا.

سپس دست و صورت خود را با آب چشمه شسته و ۲ کوزه آب پر کرده برای نهره که با آن کره تهیه می کردند می بردند تا کره آن برکت پیدا کند زیاد شود. بعد برای اعضای خانواده اسفند دود می کردند تا از چشم بد در امان بمانند. در شب آخرین چهارشنبه سال مردم روستا به ویژه نوجوانان و جوانان با پوشال و هیزم در جلوی منازل خودشان آتش روشن می کردند و از روی آن می پریدند و با لهله و شادی از نوروز استقبال می کردند. سپس خانواده پدری هدایای خریداری شده را به همراه غذاهای مخصوص در سینی بزرگی قرارداد و روی آن را با پارچه های رنگی تزیین و به خانه فرزندان دختر می فرستادند.

طبق این سنت دیرینه پسران جوان در این شب کمر بندهای پارچه ای یا دستمال خود را از روشنایی بام ها و یا پنجره همسایه و یا اقوام

خود آویزان کرده و صاحب خانه بدون آنکه در صدد شناسایی آنها باشد هدایایی به پارچه می بستند این آیین بیشتر توسط جوانانی انجام می شد که به دختری علاقه مند بوده و به آرزوی وصلت با او برای قورشاخ آتماق یعنی دستمال انداختن به خانه دختر رفته و به این نیت درباره آنچه که به دستمال یا کمر بند آنها بسته می شد تعبیراتی می کردند البته در حال حاضر برخی سالخوردهگان منطقه هنوز هم معتقدند که چون شنیدن سخنان بدیخوب در شب چهارشنبه سوری در زندگی فرد شونده تاثیر دارد در این شب نباید سخنان نا امیدکننده در میان افراد خانواده ها رد و بدل شود.

بایرامیدی گنجه قوشی او خوردی

آدخال قیزی بیگ جورابی تو خوردی

هرکس شالین بیر باجادان سو خوردی

آی نه گوزل قایدادی شال سالماق!

بیگ شالینا بایر املیغین باغلاماق!

شال ایسته دیم منده ائوده آغلامدیم

بیر شال آلیب تنز بلیمه باغلامدیم

غلام گیله قاشدیم، شالی سالادیم

فاطمه خالامنه جوراب باغلامدی

خان ننه می یاداسالیب، آغلامدی

پنجشنبه آخر سال:

مردم روستا پنجشنبه آخر سال به قبرستان می رفتند و با خود خوراک می بردند و به دیگران خیرات می کردند و بر سر مزار مردگان خود اهل قبور فاتحه می خوانند این آیین به ویژه برای خانواده هایی که در طول سال عضوی از خانواده خود را از دست داده اند حتمی و واجب بوده است. خانواده ها یک روز مانده به سال تحویل حلوا و خرما بر سر مزار اهل قبور خود می گذاشتند و شمع با چراغ روشن می کردند. از دیگر کارهای مردم روستا قبل از سال نو نظافت و خانه تکانی، شستشوی فرش و گلیم و... کاشت سبزه، رنگی کردن تخم مرغ، پوست پیاز را در تخم مرغ می پیچیدند در آب می جوشانند تا رنگ قهوه ای یاسبز بیایی به خود بگیرد. تهیه گندم بوداده یا قورقا برای اینکار گندم را داخل ماهی تابه می ریختند تا سرخ و بوداده شود، آوردن گل نوروزگولی برای سرسره عید، پهن کردن سفره عید و گذاشتن قرآن و آینه و سبزه، تخم مرغ رنگی، گندم بوداده (قورقا) و شیرینی که خودشان تهیه کرده اند... سپس مردم لباسهای نو خود را می پوشیدند و سفره عید می نشستند و بزرگترها قرآن می خوانند و دعای کردند تا سال تحویل شود. سال که تحویل می شد بچه ها نزد بزرگترها می رفتند تا عیدی خود را از بزرگترها دریافت کنند. از دیگر رسومات عید عیدی دادن پدر و برادران به دختر شوهر کرده می باشد.

بعد از تحویل سال اول رسم این بود که به خانه کسانی بروند که

نوروز اول در گذشت عضوی از آن خانواده است. مردم روستا روز اول عید به دیدار پدر و مادر بزرگترها و بقیه افراد فامیل می رفتند و نوروز را به همدیگر تبریک می گفتند. روزهای دوم، سوم عید مردم به دیدار دیداهالی روستا می پردازند و به خانه تک تک اهالی روستا می روند. روزهای بعد مجالی برای دیدن اقوام دور دست است و هرکس به دیدن آشنایان خود در شهرها و روستاهای دیگری می روند.

سبزه به در (طبیعت گونی)

مردم روستا روز دوازدهم عید همه وسایل راتهی می کردند و غذا آماده می کردند و هر چه از خوراکیهای عید باقی مانده برای صبح سبزه به درآمد می نمودند. بعد به صورت دسته جمعی عازم کوه و باغ های اطراف روستا می شدند. بعد آتش دوغ و چای می هیز می تهیه و نوش جان می کردند. بعد از آن مردها و پسران جوان مشغول بازیهای محلی مثل قیش گوتی، چلینگ آقاچ... بچه ها و دختران هم مشغول تاب بازی می شدند. سبزه به در از طلوع آفتاب و تا پاسی از شب ادامه داشت. عصر این روز ویژه سبزه گره زدن دخترهاست که در واقع برای گشایش بخت خود این کار را انجام می دادند.

گرد آوری: ب. ب. ظ

معادله نظامی- سیاسی در سوریه
خلاصه مقاله آلیسیوس واگیناس ،



عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان ، مسئول شعبه بین المللی کمیته مرکزی

می کند. یادآوری می گردد که دخالت نظامی مسکو در سوریه به دنبال حوادث قبل از سال 2011 ، یعنی دخالت آمریکا، اروپا، ترکیه، رژیم های پادشاهی خلیج فارس و دیگر نیروها در منطقه، صورت گرفت. مثلا اشغال عراق از طرف آمریکا ، حمله ناتو به لیبی ، نفوذ نیروهای مسلح به سوریه که از طرف آمریکا و متحدانش حمایت می شدند.

تضادهای منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی در سوریه

مناسبات تنگاتنگ اقتصادی و نظامی- سیاسی روسیه و رژیم سرمایه داری اسد که در مدت 20 سال گذشته متحد ثابت روسیه سرمایه داری در خاور نزدیک و شرق مدیترانه است ، بر همگان روشن است. در این منطقه «بازی» بزرگ ژئوپلیتیکی با شرکت «بازیکنان» نیرومندی همچون آمریکا ، اروپا ، اسرائیل ، ترکیه ، مصر و کشورهای خلیج فارس جریان دارد. حال ، برخی مسائل را دقیقتر نگاه کنیم.

مسئله منابع طبیعی

بشار اسد در مصاحبه خود در سال 2013 گفت «کشورهای غربی در تفاوت با مواضع سیاسی خود ، بوی «گوشت» به مشامشان خورده و میخواهند ما را در «راهروها» بخرند. آنها پیشنهاد قراردادهای پر طمطراق برای بازسازی کشور و استخراج گاز طبیعی از منابع غنی کشور را به ما می دهند. بانک جهانی که بدون اجازه آمریکا حتی نمی تواند انگشتش را تکان دهد ، به ما پیشنهاد اعتباری به میزان 21 میلیارد دلار با تخفیف های بسیار ارائه داد ، که ما فوراً آن را رد کردیم و استخراج گاز را به شرکت های روسیه دادیم. ما به روسها اعتماد داریم و از منافع استراتژیک و ملی خود دفاع خواهیم کرد».

در مورد آنچه که به حجم گاز طبیعی سوریه مربوط است ، تخمین ها متفاوت است. طبق نظر کارشناسان سوریه ، حجم گاز ذخیره طبیعی ، نقشه انرژی بین المللی کنونی را به هم خواهد زد. چون که حجم گاز ذخیره طبیعی در سوریه دهها بار بیشتر از گاز ذخیره اسرائیل است.

حتی قبل از دخالت نظامی در سوریه ، مابین شرکت های روسی و دولت سوریه قراردادهایی به میزان 1.6 میلیارد دلار برای استخراج گاز طبیعی بسته شده است. از این گذشته ، شرکت های روسی در ساختن پالایشگاه های نفت سوریه شرکت دارند.

مسئله در مورد خط نوله گاز

در سال 2013 روزنامه روسی «کامرسانت» نوشت : «نتیجه جنگ در سوریه می تواند به طور جدی بر بازار گاز اروپا

از زمانی که نویسنده و متفکر روس ، الکساندر زینویف ، سرمایه داری روسیه را با «خرگوش شاخدار» مقایسه کرد ، بیش از ده سال می گذرد. «خرگوش» ، برای این که در آن سال های برقراری مجدد سرمایه داری در روسیه ، بورژوازی تازه شکل گرفته این کشور در جریان همگرایی با هرم امپریالیسم جهانی و برای تحکیم مواضع خود در داخل کشور ، به سادگی تسلیم خواست های آمریکا و دیگر قدرت های امپریالیستی می گردید. و این در حالی بود که یک زرادخانه نیرومند نظامی از اتحاد شوروی به ارث برده بود (صفت «شاخدار» نیز مربوط به همین است).

اما شرایط تغییر می کند و بار دیگر روسیه هر چه بیشتر از نیروی نظامی خود در آن سوی مرزها استفاده می کند. او در مولداوی ، تاجیکستان ، گرجستان و منطقه کریمه اوکراین ، یعنی در اراضی اتحاد شوروی سابق که آن را «محدوده منافع مستقیم خود» می داند، نیروی نظامی بکار می برد. مسکو با دخالت نظامی در بحران سوریه ، پرشی به منطقه خارجی دورتر انجام داد و انحصار آمریکا در مداخله نظامی در مناطق بسیار دوردست را بر هم زد. این مداخله نظامی هم شرایط «معادله سوریه» را تغییر داد و هم جنبش کمونیستی جهانی را دچار سر در گمی کرد.

گسترش مداخلات نظامی کشورهای خارجی

در 30-ام سپتامبر سال 2015 عملیات نیروی هوایی روسیه علیه به اصطلاح «دولت اسلامی» در سوریه آغاز شد. در همان روز شورای فدراسیون روسیه درخواست ولادیمیر پوتین در مورد استفاده از نیروهای مسلح در خارج از کشور، از جمله در حمایت از بشار اسد را پذیرفت.

این عمل ، موضوع سخنرانی رئیس جمهور روسیه در سازمان ملل گردید که از موضع روسیه در سوریه و اوکراین حمایت می کرد. در رابطه با موضع روسیه در بحران سوریه ، او تاکید کرد که راه حل سیاسی بدون اسد غیرممکن است ، و باید از او که همراه کردها در مقابل دولت اسلامی ایستاده است حمایت کرد.

دیدار پوتین با رئیس جمهور آمریکا ، باراک اوباما ، برخلاف تبلیغات مطبوعاتی که سعی می کرد نزدیکی مواضع روسیه و آمریکا را در مبارزه با داعش نشان دهد ، اختلاف بین آنها در رابطه با آینده رژیم اسد را که طبیعتاً وابسته به آن است که کدام کشور امپریالیستی نقش اول را بازی می کند ، برطرف نکرد.

روشن است که ادامه این وضعیت به تشدید بیشتر تضادهای مابین امپریالیست ها در خاور نزدیک و شرق مدیترانه کمک

معادله نظامی....

تاثیر بگذارد. طرفهای درگیر از دو مدعی اصلی - ایران و قطر - برای احداث خط لوله گاز به اروپا از طریق سوریه حمایت می کنند. سرنوشت «گازپروم» و درآمد بودجه روسیه تا حدود زیادی در میدان نبرد بر سر حلب و دمشق رقم خواهد خورد.»

27 ژوئن سال 2011 توافقنامه ای به نام «خط لوله دوستی» برای رساندن گاز از ایران به بغداد، دمشق، بیروت و کشورهای اروپای غربی مابین ایران، عراق و سوریه امضاء گردید.

قطر، رقیب اصلی ایران در مسئله گاز، حساب می کرد که احداث خط لوله گاز او با توافق ترکیه، گاز قطر را از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه و ترکیه به اروپا می رساند. واضح است که مقدمه طرح این خط لوله، مشارکت سوریه است. طرح قطر مورد توجه آمریکا هم قرار گرفت. اما توافقنامه بین سوریه، عراق و ایران محاسبات قطر را به هم ریخت و موجب خارج شدن قطر از «بازی» شد. روشن است که روسیه به هیچ وجه نمی خواست طرح قطر - آمریکا که رقیب طرح روسیه برای تسخیر سهمی از گاز اروپا است، سر بگیرد. اما طرح ایران تا حدودی نقش تکمیل کننده داشت. علاوه بر این، روسیه عملاً به نوعی به این طرح مربوط شده بود. چون که در ساختمان خط لوله ایران و مدرنیزه کردن بنادر ایران و دیگر طرح ها مشارکت دارد. البته طرح ایران نیز فعلاً با چنین وضعیتی در منطقه امکان پیروزی ندارد.

سود از فروش تسلیحات

درآمد روسیه از فروش اسلحه به سوریه افزایش می یابد. حتی قبل از آغاز این حوادث، روسیه صادر کننده اصلی اسلحه به سوریه بود. طبق آمار، اگر در سال 2010 (قبل از حوادث بهار عربی) صادرات تسلیحات روسی به سوریه معادل 238 میلیون دلار بود، در سال 2013 این رقم به 351 میلیون دلار افزایش یافت. طبق نوشته ارگان حزب کمونیست چین، قرارداد کلی فروش تسلیحات روسی به سوریه بالغ بر 4 میلیارد دلار بوده است. بدیهی است که سرنگونی کنترل نشده بشار اسد می تواند همه این درآمد را تهدید کند. طبق بررسی برخی از متخصصین، «اگر روسیه دست از سوریه بردارد، آنوقت این بدهی ها ممکن است از طرف دولت جدید قبول نگردد. و همچنین ادامه فروش سلاح در آینده زیر سؤال قرار گیرد. و بدین ترتیب نفوذ روسیه بر دولت سوریه که به لحاظ جغرافیایی نقش مهمی را در خاور نزدیک بازی می کند، محدود گردد.»

سود سرشار از سهمی که روسیه در بازار سوریه دارد

شرکت های روسی به صادرات کالاهای خود، سوخت، ماشین آلات صنعتی، مواد غذایی، چوب، آهن و غیره اشتغال دارند. آنها همچنین در عرصه های توریسم و ارتباطات همگانی بسیار فعال هستند. بدیهی است که انحصارات روسی در نتیجه عملیات جنگی در سوریه دچار زیان شده اند. رقم مبادلات از 1.89 میلیارد دلار در سال 2011 به 582 میلیون دلار در سال 2014 کاهش یافته است. ولی اگر بشار اسد سرنگون گردد، آنگاه دچار زیان هنگفتی خواهند گردید.

عرصه ژئوپلیتیک و نظامی

چنان که معرف همه است، پایگاه نیروی دریایی روسیه در سوریه در شهر بندری طرطوس قرار دارد. این منطقه دائمی استقرار کشتی های جنگی روسیه در دریای مدیترانه است.

این تنها پایگاه دریایی- نظامی روسیه در خارج از کشور است. طبق نوشته ارگان حزب کمونیست چین «روسیه دیگر نمی خواهد کشورهای دیگری که با او متحد هستند یکی به دنبال دیگری از طرف آمریکا در هم کوبیده شوند، چون که اتوریته و نفوذ روسیه به طور جدی ضربه خواهد خورد.»

دستاویزهای برانگیختن دخالت های نظامی

ایالات متحده آمریکا و متحدینش از پنج سال پیش به بهانه «دمکراسی» و حمایت از به اصطلاح بهار عربی، برای سرنگونی دیکتاتوری «اسد»، مداخله نظامی در سوریه را آغاز کردند. کاملاً روشن بود که این بیش از یک فریبکاری نیست. چونکه آنهایی که فراخوان «آزادی» و «دمکراسی» می دهند، آمریکا و همچنین اتحادیه اروپا، به خاطر منافع انحصارات خودشان همراه با رژیم های ضد مردمی و مرتجع خلیج فارس و ترکیه که سالهاست نصف اراضی قبرس را در اشغال دارد، در سرنگونی رژیم هایی که باب طبعشان نبوده شرکت کردند و دریایی از خون مردم بیگناه به راه انداختند.

امروزه همین نیروها با دستاویز قرار دادن «دمکراسی» و بهانه جدید «جنگ علیه تروریسم»، و «دفاع از خود» در مقابل جهادگران، همچنان به دخالت های نظامی و سیاسی خود ادامه می دهند.

رهبری دولت روسیه به ندرت به منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود که دلایل اصلی مداخله نظامی است، اشاره می کند. اما فعالین سیاسی و روزنامه نگاران روسی به آنها می پردازند. در مرحله کنونی دولت روسیه مداخله نظامی خود را تحت این بهانه ها تئوریزه می کند:

اول - روسیه بر مبنای تقاضای دولت سوریه برای مبارزه علیه تروریسم به آن کشور کمک می کند. به عنوان دستاویز از به اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» استفاده می شود. همچنین تاکید می شود که اقدام روسیه هیچ منافاتی با قوانین بین المللی ندارد. چونکه عملیات نظامی بر اساس مراجعه دولت قانونی سوریه انجام می شود.

دوم - روسیه بر این گزاره نیز تاکید می کند که چندین هزار از جنگجویان «دولت اسلامی» شهروندان روسیه و جمهوری های اتحاد شوروی سابق هستند، و در صورت پیروزی داعش در سوریه، آنها به روسیه باز می گردند و دست به اقدامات تروریستی خواهند زد، و در نتیجه امنیت ملی روسیه در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

سوم - در مقیاس کمتری، موضوع جلوگیری از مهاجرت، فاجعه انسانی، نابودی آثار تمدن قدیم و وحشیگری داعش نیز عنوان می گردد.

چهارم - بعد از سقوط هواپیمای روسی بر فراز صحرای سینا، دولت روسیه «دفاع از خود» را نیز دستاویز دیگری قرار داد.

هدف از دخالت نظامی روسیه چیست؟

در این شرایط پیچیده نظامی، مسکو تصمیم گرفت نیروهای بشار اسد را از دو طریق تقویت کند:

اول، از طریق تحویل تسلیحات مدرن، تانک ها، زره پوش های جدید، رادارهای مدرن، هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم توپخانه مدرن و ... به ارتش سوریه؛

دوم، عملیات هوایی و استفاده از راکت های هوشمند علیه داعش، همچنین از ناوگان های جنگی مستقر در دریای خزر و دریای مدیترانه، که به نوعی نمایش قدرت نظامی نیز بود.

معادله نظامی...**اهداف دور و نزدیک و اهمیت دخالت نظامی روسیه**

در نظر است که به کمک این اقدامات، تلفات نیروهای مسلح سوریه جبران گردد، و نیز کمک شود که آنها بتوانند در میدان نبرد با دشمنان، نقش فعالتری داشته باشند.

علاوه بر این، طبق گزارش روزنامه «تایمز»، آمریکا با همکاری ترکیه و اردن، طرح ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه همانند لیبی را داشتند، که دخالت روسیه این طرح را به هم ریخت.

تلاشهای سیاسی

طبقه بورژوازی روسیه تلاش دارد که از منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود در منطقه شرق دریای مدیترانه دفاع کند. روسیه با درس گرفتن از تجارب تلخ جنگ در یوگسلاوی و لیبی که حضور نظامی نداشت و خارج از میدان مبارزه بود، تلاش می کند که از چنان چرخش حوادث مشابهی جلوگیری کند. هدف روسیه حمایت از رژیم اسد به هر قیمتی است، برای اینکه انحصارات او با همکاری بخشی از بورژوازی سوریه که رژیم اسد نماینده آنهاست (با اسد، یا بدون او) نقش اصلی را در استثمار منابع طبیعی و انسانی داشته باشد.

این چارچوب به روسیه امکان می دهد که از بن بست اوکراین خارج شود و از تضادهای مابین آلمان، فرانسه و آمریکا استفاده کند. همچنین این امکان را می یابد که به رژیم های ایران، عراق و مصر نزدیک شود.

علاوه بر اینها، ثمر بخش بودن این اقدامات روسیه در دفاع از منافع خود در سوریه، و یا عدم ثمر بخش بودن آنها، نشان خواهد داد که آیا روسیه در دفاع از منافع خود در آسیای میانه و دیگر مناطقی همچون مصر و ایران، که می خواهد در آینده سرمایه خود را به آنجا صادر کند، می تواند این قاطعیت و نیرو را نشان دهد یا خیر. به بیان دیگر، برای رهبری مسکو سرمایه گذاری برای حفظ منافع خود در سوریه، در نوع خود «تضمینی» است برای نفوذ سرمایه روسیه به دیگر کشورهای منطقه.

موضع نظامی - سیاسی کشورهای دیگر

در اینجا، جا دارد مواضع دیگر قدرتهای نیرومند را در آن ایام که اروپا، آمریکا و متحدین آنها به خاطر الحاق شبه جزیره کریمه و جنگ در شرق اوکراین، تحریم های اقتصادی را علیه روسیه اعلام کردند یادآوری کنیم.

موضع آمریکا در رابطه با دخالت نظامی روسیه در بحران سوریه منفی بود. از طرف دیگر، آمریکا و متحدینش به حملات هوایی خود بر فراز سوریه و عراق ادامه دادند و کارشناسان نظامی خود را برای حمایت از کردها و شاید هم دیگر گروههای مسلح فعال در سوریه اعزام کردند. جریان حوادث نشان می دهد که آمریکا به مناطق شمال شرق سوریه توجه دارد.

آمریکا حذف رئیس جمهور اسد را شرط حتمی و فوری قلمداد می کند. اما آنها اهداف واقعی را دنبال می کنند. یعنی تحکیم مواضع خود در منطقه و تضعیف مواضع نیروهای رقیب. در گذشته نه چندان دور، چین و روسیه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد سلاحهای شیمیایی سوریه را وتو کردند و به آمریکا امکان بمباران سوریه را ندادند. امروز بر اساس منابع یونانی، کشتی های جنگی چین و هواپیما های آنها به طرف سوریه در حرکت هستند تا از رژیم اسد حمایت کنند.

چین در رابطه با این خبر هنوز موضع خود را بیان نکرده است. در آغاز دسامبر سال 2015 نماینده وزارت خارجه چین گفت «آنچه که مربوط به ضربات روسیه علیه سازمان های تروریستی در سوریه است، ما قبلاً هم حمایت خود را بیان داشته ایم، و باید توجه داشت که روسیه به دعوت دولت قانونی سوریه در مبارزه با ترور به این کشور کمک می کند».

از همه جالبتر موضع آلمان است که با موضع آمریکا تفاوت دارد. در آغاز، آلمان همراه با آمریکا، بریتانیا، فرانسه، قطر، عربستان سعودی و ترکیه بیانیه ای امضاء کردند و از روسیه خواستند بیدرنگ به حملات هوایی خود علیه اپوزیسیون سوریه و مردم عادی پایان دهد و حملات خود را متوجه داعش کند. موضع آلمان در دو مورد با موضع آمریکا تفاوت دارد.

اول- آلمان قبول می کند که پشت میز مذاکره برای حل سیاسی بحران باید بشار اسد هم شرکت کند.

دوم- آلمان قبول می کند که ایران هم یکی از شرک کنندگان در مذاکره باشد. موضع آلمان با موضع فرانسه هم فرق دارد. فرانسه هم به تقلید از آمریکا، دو روز قبل از دخالت روسیه، از 27 سپتامبر حملات هوایی خود را علیه داعش در سوریه آغاز کرد. نخست وزیر فرانسه در رابطه با دخالت روسیه از جمله گفت «روسیه نباید غیر از نیروهای دولت اسلامی (داعش) نیروهای دیگر را مورد حمله قرار دهد.

اما پس از ترور خونین 13 نوامبر در پاریس، موضع فرانسه تغییر کرد. رئیس جمهور فرانسه، اولاند در سخنرانی 16 نوامبر در برابر کنگره کشور گفت «رئیس جمهور سوریه نمی تواند خارج از مناقشه قرار گیرد، اما دشمن ما داعش است». این، نزدیکی به موضع آلمان بود. چون دیگر فرانسه بر کناره گیری سریع اسد اصرار نداشت. گذشته از این، اولاند از پوتین و اوباما خواست راه حل مشترکی ارائه دهند.

بریتانیا نسبت به دخالت نظامی روسیه موضع تهاجمی داشت. نخست وزیر بریتانیا اظهار داشت «آنها از اسد جلا حمایت می کنند و این یک اشتباه وحشتناک هم برای آنها و هم برای جهان است». 3 دسامبر بریتانیا با استفاده از پایگاه هوایی خود در قبرس عملیات هوایی در سوریه را آغاز کرد.

از سوی دیگر، اسرائیل که بر اساس اعتراف خود، به بهانه «دفاع از خود» در خاک سوریه عملیات نظامی انجام می دهد، تلاش دارد بالانس را حفظ کند. ولی نگرانی خود را از دخالت نظامی مسکو پنهان نمی کند. اما روسیه برعکس، به اسرائیل اطمینان می دهد که دخالت نظامی روسیه منافع اسرائیل را به خطر نمی اندازد.

البته تمامی این نیروها که در بالا قید گردید، اعلام کرده اند که خواهان مکانیسمی هستند که احتمال هر گونه برخورد تصادفی با نیروهای روسیه را به صفر برساند.

ترکیه اما از دیدگاه به اصطلاح «دکترین عثمانی نوین» به این موضوع می نگرد، و از اهرم دین اسلام در منطقه خاور نزدیک، بالکان و قفقاز استفاده می کند. بورژوازی ترکیه بلند پروازی های خود را به نمایش می گذارد، و در آغاز، در چارچوب «گروه 20» و سپس در دایره محدودتری خواهان نقش مهمتری در سیستم امپریالیستی جهانی است. نقش ترکیه در بحران سوریه تعیین کننده است! بورژوازی ترکیه از جهادگرایان حمایت می کند و اتهام تجارت نفت بین ترکیه و داعش بی اساس نیست. بورژوازی ترکیه در آغاز از طرح

معادله نظامی...

تجزیه عراق و سوریه حمایت می کرد و در سوریه خواهان اجرای سناریوی لیبی بود. یعنی طرح منطقه پرواز ممنوع، که شرایط را برای عملیات زمینی و اشغال سوریه و یا بخشی از آن ممکن می ساخت. ترکیه هم اکنون دهها هزار نیروی نظامی با تجهیزات کامل در مرز سوریه مستقر کرده است. سرنگونی هواپیمای روسیه تصادفی نبود. هدف آن بود که به مسکو نشان دهد که همینطور به راحتی نمی تواند منافع بورژوازی ترکیه را در نظر نگیرد.

چشم انداز حوادث آینده

زمینه ای که تضادها و سپس جنگها از آن سر بر می آورد، همانا رقابت های سرمایه داری با هدف کسب سود بیشتر و تقسیم ثروت های طبیعی است. در بحران سوریه نیز تضاد قدرتهای نیرومند رو در رو ایستاده اند. اما این بدان معنا نیست که این تضادها به طور اتوماتیک به جنگ منجر خواهد شد. احتمالات بسیاری وجود دارد که به دهها فاکتور گوناگون وابسته هستند. اما ما در وضعیتی نیستیم که اهمیت هر یک از این احتمالات و تأثیر آنها بر روند حوادث را بررسی کنیم. عامل و فاکتور اصلی مشارکت توده های زحمتکش در روند حوادث است. اما در حال حاضر، جنبش مردمی برای رهایی از طرحهای بورژوازی محلی و بیگانه وجود ندارد.

بر اساس تناسب نیروها در حال حاضر، حوادثی که به آنها اشاره می شود، ممکن است پیش بیاید:

الف - ادامه سیاست فرسوده کردن نیروهای فشار اسد و متحدینش با ایجاد مناطق «داغ» دیگر. این سناریو می تواند اساسا از طرف آمریکا و متحدینش نظیر ترکیه، اسرائیل و پادشاهیهای خلیج فارس با هدف فرسوده گی نیروهای روسیه و سوریه شکل بگیرد. یعنی ارسال اسلحه (به عنوان نمونه، اپوزیسیون سوریه درخواست سیستم موشک ضد هوایی کرده بود، اما آمریکا رسماً آن را رد کرد)، گشایش جبهه دیگر در شرق اوکراین، مزاحمت های دیگر در آسیای میانه، در قفقاز و ... البته در چنین سناریویی، ممکن است وضعیت از کنترل خارج و کار به درگیری مستقیم ناتو و روسیه منجر گردد.

ب - سازش در بحران سوریه. سازش در وهله اول شامل نیروهای خارجی و سپس نیروهای متخاصم محلی می گردد. شکل این سازش می تواند واکنشهای گوناگونی داشته باشد، نظیر سناریوی تقسیم سوریه چون که دخالت نظامی نیروهای امپریالیستی، آشکارا مشخصه جغرافیایی دارد. مثلا، روسیه ظاهراً بیشتر به مناطق ساحلی سوریه تمایل نشان می دهد. اما آمریکا به شمال و شمال شرقی سوریه، جایی که آنها مشاوران نظامی خود را برای حمایت از نیروهای مسلح کرد اعزام کرده اند.

ظاهراً بازگشت به تناسب نیروهای داخلی و خارجی ده سال پیش غیر ممکن است. یعنی شرایطی که روسیه بتواند هم موضع خود و هم مواضع رژیم اسد را بطور کامل حفظ کند، و علیه «تروریستها» هم بجنگد. از طرف دیگر، سازش و امتناع از درگیری می تواند به نیروهای امپریالیستی کمک کند که توجه خود را به مناطق «داغ» دیگر متمرکز کنند. مثلا به جنوب دریای چین، جایی که مدتهاست تضادها در وهله اول مابین چین و ژاپن - آمریکا و نیز میان چین و دیگر کشورهای منطقه در حال افزایش است.

باید به این موضوع مهم توجه کرد که دخالت فعالانه روسیه در بحران سوریه و همچنین حمله مسلحانه در پاریس، تا حدودی موجب سر در گمی عقیدتی گردید. مثلا، در مورد ماهیت طبقاتی سرمایه داری امروز روسیه، هدف سرمایه داری روسیه و در اینکه روسیه کنونی اتحاد شوروی نیست، ظاهراً جای بحث نیست. ولی در جریان حوادث نتایج اشتباهی گرفته می شود. گذشته از این،

مناسبات بین المللی و ترقی اجتماعی دوباره مافوق طبقات قرار می گیرد. باید به این مسائل توجه داشت، چونکه ندانستن آنها موجب می شود زحمتکشان به دنبال حمایت این یا آن قدرت امپریالیستی و جنگی که به خاطر منافع سرمایه راه انداخته اند، بیافتند.

جهان چند قطبی در تقابل با امپراطوری آمریکا

نیروهای مشخصی امپریالیسم را فقط در سیمای ایالات متحد آمریکا می بینند و طرفدار ظهور قدرتهای تازه سرمایه داری در امور بین المللی و پیدایش بلوک های بین المللی که چنین کشورهای سرمایه داری به وجود می آورند، هستند. نظیر بریکس، سازمان همکاری شانگهای و قرارداد امنیت مشترک و ... آنها فکر می کنند این روند موجب پیدایش جهان چند قطبی گشته و نیروی نوینی در خدمت سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین المللی قرار می گیرد که با تکیه بر آن می توان بر هژمونی آمریکا غلبه کرد. و گویا در این صورت، صلح و امنیت برقرار خواهد شد. این نیروها، دخالت نظامی روسیه در بحران سوریه را از این دیدگاه می بینند.

چنین نظرانی مطرح می شود، که گویا تضادهای میان کشورهای نوین امپریالیستی و جا به جایی ها در سیستم جهانی می تواند به «دمکراتیزه» شدن مناسبات های بین المللی بیانجامد. گویا در این صورت، جهان چند قطبی از طریق تقویت مواضع آلمان، روسیه، چین، برزیل و دیگر کشورها شکل می گیرد و در نتیجه آمریکا عقب می ماند.

پیشنهاد های مشخصی هم ارائه می گردد. مثلا افزایش ترکیب شورای امنیت سازمان ملل به حساب کشورهای دیگر.

سؤال می شود: آیا با تقویت نقش جهان شمول شورای اروپا - چنان چه «سیریزا» و به اصطلاح «احزاب چپ اروپا» معتقد هستند - یا حتی گسترش نقش فزاینده روسیه و چین، می توان حوادث را در مجرای صلح آمیز و مترقیانه آن هدایت کرد؟

به نظر ما هیچوقت! دلیل آن این است که جنگهای امپریالیستی نتیجه تناسب مشخص مابین کشورهای سرمایه داری نیست، بلکه نتیجه قانونمندیهای سرمایه داری است، قانون رشد ناموزون سرمایه داری، رقابت، گرایش به کسب سود بیشتر.

بر این اساس، تضادهای مابین امپریالیستها، در وهله نخست، در مبارزه بر سر مواد خام، انرژی، راههای حمل آن، و مبارزه به خاطر سهم بازار ظهور میکند، تجدیدی می گردد و تغییر می یابد. رقابت بین انحصارات موجب جنگ و تجاوز در مقیاس بزرگ و کوچک است. در این رقابت از تمامی وسایلی که در اختیار انحصارات و دولت سرمایه داری هست استفاده می شود. بدین ترتیب، امپریالیسم منشاء برخوردهای نظامی در مقیاس کوچک و بزرگ است.

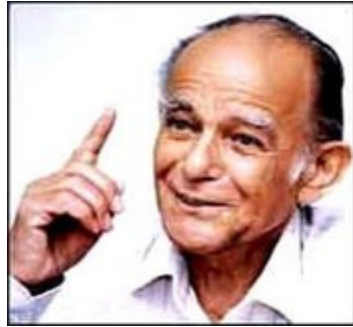
به همین دلیل نیروهای سوسیال دمکرات بورژوا شده قدیمی و نیز نیروهای اپورتونیستی معاصر مفهوم «رهبری دمکراتیک نوین جهانی» را بزک می کنند و تلاش دارند به لحاظ ایدئولوژیک، وحشیگری سرمایه داری - امپریالیستی را آب و رنگ زنند و زحمتکشان را دچار توهم و گمراهی سازند.

گمراهی یعنی تأیید این که جهان چند قطبی، همانا وسیله تأمین صلح و منافع توده های مردم است. در ماهیت امر، این دیدگاه، رقیب را به جای متحد جا می زند، سمتگیری نیروهای مردمی را منحرف و آنها را مجبور می سازد امپریالیسم یا اتحادهای امپریالیستی را انتخاب کند و در نتیجه، جنبش کارگری را فلج سازد.

ترجمه ح. ر. بازیار

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

نرم نرمک می رسد اینک بهار



شعر از فریدون مشیری:
 بوی باران بوی سبزه بوی خاک
 شاخه های شسته باران خورده پاک
 آسمان آبی و ابر سپید
 برگهای سبز بید
 عطر نرگس رقص باد
 نغمه شوق پرستو های شاد
 خلوت گرم کبوترهای مست
 نرم نرمک می رسد اینک بهار
 خوش به حال روزگار
 خوش به حال چشمه ها و دشت ها
 خوش به حال دانه ها و سبزه ها
 خوش به حال غنچه های نیمه باز
 خوش به حال دختر میخک که می خندد به ناز
 خوش به حال جام لبریز از شراب
 خوش به حال آفتاب
 ای دل من گرچه در این روزگار
 جامه رنگین نمی پوشی به کام
 باده رنگین نمی نوشی ز جام
 نقل و سبزه در میان سفره نیست
 جامت از آن می که می باید تهی است
 ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
 ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
 ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
 گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
 هفت رنگش میشود هفتاد رنگ

سوریه به یک قانون اساسی جدید و برگزاری انتخابات نیاز دارد

به گزارش خبرگزاری ریانووستی به نقل از صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه گنادی زیوگائف "سوریه در حال حاضر در درجه اول برای ادامه روند سیاسی به آماده سازی قانون اساسی و برگزاری انتخابات نیاز دارد" گنادی زیوگائف گفت: روسیه فدراتیو بخشی از خروج نیروهای خود را برای صلح همراه با روند سیاسی که آغاز می شود شروع کرد. خروج نیروها تحت این شرایط در راستای یک گام به جلو خواهد بود وی اضافه نمود که پایگاه روسیه همچنان مهم میباشد. بنظر گنادی زیوگائف نیروهای روسیه در سوریه نتایج خوبی با تروریست را نشان داد وی اضافه نمود که همچنان با دیدن دربرخورد با راهزنان با گوش و چشم باز حرکت کرد گنادی زیوگائف گفت باید بخاطر بسیاری برای از بین بردن تروریست هنوز راه درازی درپیش است بنابراین نباید به استراحت پرداخت. باید از همه امکانات انسانی و سیاسی در سطح دیپلماتیک بهره جست و با گوش و چشم باز مراقب بود. وی یاد آور شد بنا به درخواست بشار اسد رئیس کشور سوریه فدراسیون روسیه حمایت خود را با نیروی نظامی برای مبارزه با تروریست به اجراء در آورد و اضافه نمود که سوریه نقش استثنائی در ایجاد ثبات در شرق میانه ایفاء می کند. ارتش روسیه در طول این ماه نشان داد که می تواند در مدت زمان کوتا بعنوان یک گروه نظامی قدرتمند که خلبانان و متخصصان آن در بر دارنده انحصار نظامی اند با شایستگی و شجاعت عملکرد خود را در سطح مهارت بالا نشان داده اند. سوم اینکه ما در دفاع و حمایت از دوستان و متحدان خود از باند های تروریست در قلمرو خود جلوگیری کرده ایم. گنادی زیوگائف گفت: روسیه پیش قدم حل و فصل مسالمت آمیز مناقشه در سوریه است. کوششهای سرگئی لاروف وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه نشان دهنده این قدمها می باشد. وظیفه پیش روی ما تقویت این مذاکره در تمام عرصه ها است و همزمان ائتلاف علیه نیروی داعش که نتیجه دو قطعنامه تصویب شده توسط شورای امنیت سازمان ملل برای یافتن راه مسالمت آمیز می باشد. گنادی زیوگائف گفت: اوایل دوشنبه به دستور ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه روز سه شنبه سرگئی شایگو وزیر دفاع خروج نیروهای روسی را از سوریه تحت عنوان اهداف انجام یافته آغاز نمود که رئیس جمهور بشار اسد در طی یک گفتگوی تلفنی با پوتین آمادگی خود را به استقرار روند سیاسی در کشور اعلام نموده است.

برگرفته از سایت حزب کمونیست روسیه به نقل از خبرگزاری ریانووستی